

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# قانون غسل امام

تقدیر بیان احمد احسن (۵)

سید مہدی مجتہد سیستانی

سرشناسه	: مجتهد سیستانی، سیدمهدی، ۱۳۶۵ -
عنوان و نام پدیدآور	: قانون غسل امام/ سیدمهدی مجتهدسیستانی.
مشخصات نشر	: قم: انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۸۵ ص:؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
فروست	: نقد جریان احمدالحسن: ۵.
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: غسل -- احادیث
موضوع	: Ritual washing (Islam) -- Hadiths*
موضوع	: ائمه اثناعشر -- احادیث
موضوع	: Hadiths -- (Imams (Shiites
رده بندی کنگره	: ۱۸۵/۶BP
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۳۵۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۸۸۳۲۹۳



## قانون غسل امام

نقد جریان احمد الحسن (۵)

مؤلف: سید مهدی مجتهد سیستانی

ناشر: اسماعیلیان

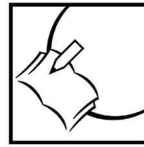
نوبت چاپ: اول/ ۱۳۹۸

چاپخانه: اصیل

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۰۰۱-۱۱-۲

قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان



قم: خیابان معلم

میدان روح اله

تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۴۴۲۱۲

## فهرست

فهرست .....	۵
مقدمه .....	۷
بخش اول) ذکر دو نکته: .....	۹
نکته اول) ثبوت این عقیده نزد علمای شیعه: .....	۹
نکته دوم) عدم وجوب غسل بر معصوم: .....	۱۱
بخش دوم) بررسی احادیث .....	۱۷
حدیث اول: غسل دادن بریبه .....	۱۷
حدیث دوم: غسل دادن حضرت فاطمه <small>علیها السلام</small> .....	۲۰
حدیث سوم: غسل دادن امام رضا <small>علیه السلام</small> به روایت هرثمه .....	۲۳
حدیث چهارم: غسل دادن امام رضا <small>علیه السلام</small> به روایت عبدالرحمن .....	۲۶
حدیث پنجم: غسل دادن امام سجاد <small>علیه السلام</small> .....	۲۷
حدیث ششم: غسل دادن امام صادق <small>علیه السلام</small> .....	۳۰
حدیث هفتم: غسل دادن امام باقر <small>علیه السلام</small> .....	۳۴
حدیث هشتم: غسل دادن امام کاظم <small>علیه السلام</small> .....	۳۵
حدیث نهم: غسل دادن امام کاظم <small>علیه السلام</small> .....	۳۷
حدیث دهم: غسل دادن امام کاظم <small>علیه السلام</small> .....	۳۹
حدیث یازدهم: قانون غسل سنتی از موسی بن عمران <small>علیه السلام</small> .....	۴۲
حدیث دوازدهم: غسل دادن امام کاظم <small>علیه السلام</small> .....	۵۲

۱۶۱ قانون غسل امام

- ۵۷..... حدیث سیزدهم: غسل دادن امام کاظم علیه السلام در زمان حیات.....
- ۵۹..... حدیث چهاردهم: غسل دادن حضرت حجت علیه السلام.....
- ۷۰..... حدیث پانزدهم: قانون غسل و حکمت آن.....
- ۷۲..... حدیث شانزدهم: غسل دادن امام رضا علیه السلام به روایت ابا صلت.....
- ۷۵..... بخش سوم) اشکالات.....
- ۷۵..... اشکال الف) غسل دادن امام عسکری علیه السلام.....
- ۷۷..... اشکال ب) اشکالات سید مرتضی.....
- ۸۳..... نتیجه.....
- ۸۴..... آخرین سخن.....

## مقدمه

## بسم الله الرحمن الرحيم

یکی از عقاید معروف شیعه این است که جسد امام را فقط امام غسل می‌دهد، و در این باره روایات متعددی وجود دارد؛ همچنان که علما در طول تاریخ شیعه به این عقیده تصریح نموده‌اند.

اما در این میان احادیثی ثبت شده که با اعتقاد مذکور سازگار نیست. رساله پیش رو در تحقیق پیرامون اثبات این اعتقاد و تحلیل روایات معارض نگاشته شده است؛ امید آنکه حقیقت را کشف نموده، رهنمای هدایت جویان باشیم.

آنچه ما را بر این تحقیق وا داشت، وجود سوالی است که اگر بدن امام را فقط امام غسل می‌دهد، بعد از وفات امام دوازدهم علیه السلام باید امامی باشد که ایشان را غسل دهد، پس آن امام کیست؟ طبق عقیده شیعه، آن امام حضرت سید الشهداست که رجعت نموده و ولایت را بعد از صاحب الزمان به عهده می‌گیرد. اما احمد بصری با طرح نظریه دوازده مهدی بعد از دوازده امام و تمسک به حدیثی موسوم به وصیت، ادعا می‌کند امامی که بدن حضرت مهدی را غسل می‌دهد مهدی اول می‌باشد که خود اوست! ولی اگر ما بپذیریم که مهدی‌های دوازده گانه در حدیث وصیت، غیر از ائمه دوازده

## ۱۸۱ قانون غسل امام

گانه می‌باشند<sup>۱</sup>، متن وصیت تصریح دارد که آن‌ها امام نیستند زیرا می‌گوید تعداد امامان ۱۲ نفر است که به امام دوازدهم ختم می‌شوند و بعد از آن سلسله مهدیین آغاز می‌گردد: «فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ فَلْيُسَلِّمْهَا إِلَى ابْنِهِ مُحَمَّدٍ الْمُسْتَحْفَظِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَذَلِكَ اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا ثُمَّ يَكُونُ مِنْ بَعْدِهِ اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا»<sup>۲</sup>.

در نتیجه تنها یک راه می‌ماند و آن اینکه یکی از یازده امام قبلی رجعت نموده و کار غسل را به عهده بگیرد، که در این صورت با وجود آن امام، نوبت به امامت مهدی‌های دوازده گانه نمی‌رسد.

به امید آن که خداوند هر چه زودتر ظهور و لیش را برساند تا با آمدن او همه اختلافات و انحرافات از بین رود، آمین رب العالمین.

سید مهدی مجتهد سیستانی

---

۱. زیرا در جای خود توضیح داده ایم که: طبق نسخه فاقد فقره «فإذا حضرته الوفاة»، دوازده مهدی همان دوازده امام هستند و مراد از احمد در حدیث وصیت، شخص امام زمان عليه السلام به عنوان اولین مهدی است و مهدی دوم نیز امام حسین عليه السلام می‌باشند.

۲. الغيبة للطوسی ص ۱۵۱



بخش اول: ذکر دو نکته ۱۹۱

## بخش اول) ذکر دو نکته:

نکته اول) ثبوت این قانون نزد علمای شیعه:

همانگونه که در مقدمه گذشت، اعتقاد به این قانون در طول تاریخ

تشیع توسط علمای متعددی تایید شده است، از جمله:

الف) مرحوم کلینی در عصر غیبت صغری در اصول کافی که آن را

درباره بیان عقائد اصیل شیعه نگاشته، بابتی با عنوان «أَنَّ الْإِمَامَ لَا يَغْسِلُهُ إِلَّا

إِمَامٌ مِنَ الْأَئِمَّةِ» قرار داده<sup>۱</sup> تا از این عقیده شیعه پاسداری کند.

ب) شیخ صدوق جهت تایید بطلان امامت اسماعیل فرزند امام

صادق علیه السلام به همین قاعده استدلال می کند که اگر او امام بود باید امام

صادق علیه السلام وی را غسل می دادند و حال آنکه این کار را نکردند پس او امام

نبوده است.<sup>۲</sup>

ج) شیخ مفید این قاعده را بمانند مسلمات گرفته و می گوید: جایز

نیست کسی متولی غسل و کفن و دفن امام شود الا امام بعد از او، مگر اینکه

ضرورتی مانع شود (که البته طبق روایاتی که در بخش دوم می آوریم هیچ

ضرورتی مانع از غسل امام توسط امام نمی شود): «لیس یجوز أن یتولی

---

۱. الکافی (ط - الإسلامية) ج ۱ ص ۳۸۴-۳۸۵

۲. کمال الدین و تمام النعمة ج ۱ ص ۷۱

۱۱۰۱ قانون غسل امام

غسل الإمام و تكفينه و دفنه إلا الإمام القائم مقامه إلا أن تدعو ضرورة إلى غير ذلك»<sup>۱</sup>.

مراد شیخ از ضرورت، اضطرار است و تصحیح غسل امام کاظم علیه السلام توسط دستگاه حکومت را در نظر داشته است، زیرا به نظر ایشان وقتی امام علیه السلام در بند آن ستمگران بوده اند، به ناچار غسل ایشان نیز توسط همانها انجام شده، لذا این موجب بطلان امامت امام رضا علیه السلام یا انکار وفات امام کاظم علیه السلام نمی شود.

ما در این باره به تفصیل سخن خواهیم گفت.

د) پدر علامه مجلسی می نویسد: معصوم را غسل نمی دهد مگر معصوم و این موضوع در روایات فراوانی وارد شده است: «أنَّ المعصوم لا یغسله إلا المعصوم، و به أخبار كثيرة»<sup>۲</sup>.

هـ) مرحوم حر عاملی می گوید: اینکه امام را باید امام غسل دهد در احادیث زیادی آمده است: «هذا المعنى قد ورد في الاحادیث كثيراً»<sup>۳</sup>.  
و) علامه مجلسی در این باره می نگارد: این مطلب شناخته شده ای از مذهب شیعه و روایات آنهاست که امام را فقط امام غسل می دهد: «إنه معلوم من مذهب الشيعة و أخبارهم أن الإمام لا یغسله إلا إمام»<sup>۴</sup>.

۱. الفصول المختارة ص ۳۰۷

۲. روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه (ط - القديمة) ج ۱ ص ۳۷۱

۳. الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة ص ۳۰۶

۴. ملاذ الأخبار في فهم تهذيب الأخبار ج ۳ ص ۲۵۴

بخش اول: ذکر دو نکته ۱۸۱

ز) مرحوم آل طوق می‌گوید: کسی متولی امر معصوم نمی‌شود الا معصومی مثل خودش تا اینکه او را دفن نماید و اگر کسی یا روایتی حرفی بزند که خلاف این را تصور کند اعتباری بدان نیست و اساسی در مذهب شیعه ندارد.<sup>۱</sup>

ح) مرحوم اشتهازی می‌نگارد: اعتقاد ما شیعیان اینست که کسی متولی امر امام از غسل و کفن و دفن و نماز نمی‌شود مگر امام: «إعتقادنا أنّ الإمام عليه السلام لا يلي أمره إلا الإمام من الغسل و التكفين و الصلاة و الدفن».<sup>۲</sup>

#### نکته دوم) عدم وجوب غسل بر معصوم:

غسل دادن بدن میت برای هر مسلمانی واجب است، همچنان که غسل نمودن کسی که با بدن میت تماس پیدا کند نیز واجب می‌باشد، و از این دو غسل با عنوان غسل میت و غسل مس میت یاد می‌شود. اما هیچیک از این دو غسل برای معصوم واجب نبوده و انجام آن توسط معصوم بعدی تنها به خاطر موافقت با ظاهر احکام مسلمین بوده است. این حقیقتی است که هم در روایات و هم در کلمات علما بدان تصریح شده، اما با این حال می‌بینیم که ائمه عليهم السلام بر انجام شدن این غسل توسط امام بعدی تاکید داشته و به قانون غسل استناد می‌کرده‌اند، و این جز بدین خاطر نبوده که قانون غسل، یکی از راه‌های شناخت امام بعدی است.

۱. رسائل آل طوق ج ۱ ص ۲۶۱

۲. مدارک العروة ج ۱۲ ص ۳۳۸

در کتاب *علل الشرائع* بابی با عنوان علت غسل میت باز نموده و در آن ۵ حدیث نقل کرده که همگی بر این موضوع اتفاق نظر دارند که به هنگام وفات، همان نطفه‌ای که انسان از آن خلق شده، از او خارج می‌گردد لذا جنب گردیده و این غسل برای پاک شدن اوست.<sup>۱</sup>

این درحالیست که طبق روایات فراوان، معصومین علیهم‌السلام حکم جنابت نداشته‌اند<sup>۲</sup> و از همه اقدار و ارجاس پاک بوده‌اند پس غسلی بر ایشان نبوده است.

به عبارت دیگر: خروج روح سبب نوعی نجس شدن بدن می‌شود، نجاستی که حتی اگر کسی به میت دست بزند او هم باید غسل کند، از همین رو باید بدن میت را غسل دهند تا پاک شود و راه دیگری برای پاک شدن ندارد. این درحالیست که طبق آیه تطهیر و همچنین روایات متعدد، روح و جسم معصومین علیهم‌السلام از هر رجس و قذارتی طاهر است<sup>۳</sup>، بنا بر این بعد از مفارقت روح از بدن ایشان، قذارتی پدید نمی‌آید که نیاز به غسل داشته باشد.

شیخ طوسی در کتاب تهذیب به دو سند روایت کرده که شخصی از

---

۱. *علل الشرائع* ج ۱ ص ۲۹۹-۳۰۱، نیز ص ۲۶۷-۲۶۸

۲. این مساله در روایات اهل سنت در ضمن ورود و خروج امیرالمؤمنین علیه‌السلام و فرزندان ایشان در مسجد تصریح شده است، همچنان که در منابع شیعه نیز موجود است، از جمله: *تفسیر العیاشی* ج ۲ ص ۱۲۷

۳. البته درباره طهارت جسمی مثل پاک بودن خون و ... ایشان اختلاف است اما نتیجه تحقیق در روایات، طهارت جسم آن حضرات از کل ارجاس و ادناس است.

بخش اول: ذکر دو نکته ۱۳۱

امام صادق عليه السلام پرسید: آیا امیرالمؤمنین عليه السلام بعد از غسل دادن بدن رسول خدا غسل (مس میت) نمود؟ امام عليه السلام پاسخ دادند: پیامبر طاهر و مطهر بود لکن امیرالمؤمنین غسل نمود و سنت بر همین جاری گشت.<sup>۱</sup>

فیض کاشانی در توضیح این حدیث می‌نگارد: مراد اینست که غسل دادن وصی توسط وصی بعدی سنت شد.<sup>۲</sup>

علامه مجلسی نیز در ذیل این حدیث می‌نگارد: از اینکه گفته بدن پیامبر طاهر مطهر بوده فهمیده می‌شود بدن غیر معصوم نجس است، و غسل کردن غسل به خاطر همین نجاست می‌باشد.

اما مراد از اینکه می‌گوید: «لکن امیرالمؤمنین این کار را نمود» اینست که ایشان غسل مستحبی کرد و بر او واجب نبود چون بدن پیامبر صلی الله علیه و آله طاهر مطهر بود، یا اینکه هر چند بدن ایشان طاهر بوده، لکن غسل کردن غسل ایشان تعبداً واجب است، همچنان که غسل دادن آن حضرت منافاتی با نجس نبودن بدنشان بواسطه وفات ندارد.<sup>۳</sup>

همچنین می‌نگارد: مراد از سنت شدن آن کار، یا غسل دادن بدن معصوم توسط معصوم است و یا غسل نمودن غسل بدن معصوم، و پوشیده نیست که برداشت اول ظاهرتر است.<sup>۴</sup>

۱. تهذیب الأحکام ج ۱ ص ۱۰۸ ح ۱۳، ص ۴۸۹ ح ۱۸۶

۲. الوافی ج ۶ ص ۳۸۵

۳. ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار ج ۱ ص ۴۰۷

۴. ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار ج ۳ ص ۳۲۳

و در این باره چه خوش سروده، سید علما علامه بحر العلوم:  
و النص فی المعصوم بالغسل ورد تعبداً بالغسل مع طهر الجسد<sup>۱</sup>  
ترجمه: علت اینکه در مورد معصوم بعد از وفات، غسل میت وارد شده اینست که تعبد چنین فرمانی می‌دهد و الا جسد معصوم پاک می‌باشد. همچنین در مسند احمد - امام اهل سنت - از ام سلمی همسر ابو رافع به این مضمون روایت کرده: من در بیماری فاطمه پرستاریش می‌کردم... روزی فاطمه به من فرمود به جهت غسل برآیم آب بریز... ایشان غسل نیکویی نمود و بعد به پهلو در بستر آرמיד و گفت: ام سلمی من تطهیر کردم کسی بدن مرا برهنه نکند (تا غسل دهد) آنگاه روح از بدنش خارج شد.<sup>۲</sup>  
این روایت را گروهی از اهل سنت و شیعه در کتاب‌های خود نقل کرده اند، از جمله: ابن حجر در الاصابه، ابو نعیم در حلیة الاولیاء، ابن شهر آشوب در مناقب، علامه اربلی در کشف الغمة و محدث نوری در مستدرک.<sup>۳</sup>

علامه اربلی در این باره می‌نگارد: اینکه این حدیث از طریق شیعه و سنی بدون بیان هیچ توضیح و تعلیلی نقل شده در حالی که مخالف وجوب غسل میت می‌باشد امر عجیبی است زیرا فقهای هر دو مذهب به اتفاق نظر،

۱. الدرّة النجفیة ص ۴۴

۲. مسند احمد ج ۴۵ ص ۵۸۸

۳. مناقب آل ابی طالب علیه السلام ج ۳ ص ۳۶۴، کشف الغمة فی معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج ۱ ص ۵۰۲، مستدرک الوسائل ج ۲ ص ۲۰۳

بخش اول: ذکر دو نکته ۱۱۵

دفن را قبل از غسل جایز نمی‌دانند... و شاید این امر از اختصاصات فاطمه زهرا علیها السلام باشد.<sup>۱</sup>

حقیقیر می‌گوییم: اینکه حضرت فرمودند: احدی بدن مرا برای غسل برهنه نکنند، معنایش نفی وجوب غسل بوده، لذا این منافاتی با روایات فراوانی ندارد که می‌گویند: امیرالمؤمنین علیه السلام ایشان را غسل داده است.<sup>۲</sup> بعد از ذکر این دو نکته، این سوال مهم مطرح می‌شود که آنچه از

---

۱. كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج ۱ ص ۵۰۲

۲. بعضی چنین اشکال می‌کنند که تفسیر این وصیت یعنی «برهنه نکردن» به «نفی وجوب غسل» خلاف ظاهر است و قرینه‌ای بر آن وجود ندارد. در نتیجه این روایت ام سلمی مخالف روایات متعدد غسل حضرت فاطمه توسط امیرالمؤمنین علیه السلام می‌باشد، مخصوصاً با توجه به آخر این روایت که می‌گوید: حضرت فاطمه علیها السلام را دیگر غسل ندادند و با همان غسل دفن نمودند: «فَحَمَلَهَا بِغُسْلِهَا»

این در حالیست که اولاً روایات غسل نمودن حضرت فاطمه علیها السلام چند لحظه قبل از وفات، نیز متعدد است، ثانیاً قرینه بر تفسیر مذکور، همان روایات غسل دادن حضرت فاطمه توسط امیرالمؤمنین علیه السلام است که از یک طرف گفته‌اند من غسل نموده ام پس مرا برهنه نکنید و از طرفی یقیناً ایشان را غسل داده‌اند، ثالثاً این تتمه‌ای که ذکر کرده‌اند فقط در امالی طوسی ص ۴۰۱ نقل شده و در دیگر کتب شیعه و حتی نقل اهل سنت وجود ندارد.

البته علامه مجلسی و محدث نوری چنین احتمال داده‌اند که مراد حضرت این بوده که من بدنم را از خون جراحات و غیره نظیف کرده ام پس نیازی نیست برای شستن بدن، آن را برهنه کنید: (بحار الأنوار ج ۴ ص ۱۷۲ و ص ۱۸۸، مستدرک الوسائل ج ۲ ص ۲۰۳) در حالی که این کاملاً خلاف متن روایت است زیرا می‌فرماید من غسل کرده ام پس کسی مرا برهنه نکند. احتمال دیگری هست که چون نمی‌خواستند چشم امیرالمؤمنین علیه السلام به جراحات بدن بیفتد وصیت کرده‌اند که با لباس غسلشان دهند، حال آنکه این نیز مخالف متن روایت می‌باشد و هر کس که به فاء تفریع میان غسل نمودن و امر به برهنه نکردن بدن توجه نماید این را به خوبی می‌فهمد.

## ۱۱۶۱ قانون غسل امام

روایات قانون غسل بدست می‌آید چیست؟ آیا امام را غیر از امام غسل نمی‌دهد؛ آیا حجت را غیر از حجت غسل نمی‌دهد؛ آیا وصی را غیر از وصی غسل نمی‌دهد؛ آیا صدیق را غیر صدیق غسل نمی‌دهد؛ یا آیا معصوم را غیر معصوم غسل نمی‌دهد؟ در این باره تعابیر روایات متعدد است که در بخش دوم به بررسی آنها می‌پردازیم.



## بخش دوم) بررسی احادیث

حدیث اول: «عَنْ جَائِلِيٍّ مِنْ جَائِلِقَةِ النَّصَارَى يُقَالُ لَهُ بُرَيْهَةٌ قَدْ مَكَثَ جَائِلِيَّقُ النَّصْرَانِيَّةِ سَبْعِينَ سَنَةً وَ كَانَ يُطَلِّبُ الْإِسْلَامَ وَ يُطَلِّبُ مَنْ يَحْتَجُّ عَلَيْهِ مِمَّنْ يَقْرَأُ كُتُبَهُ وَ يَعْرِفُ الْمَسِيحَ بِصِفَاتِهِ وَ دَلَائِلِهِ وَ آيَاتِهِ قَالَ وَ عَرَفَ بِذَلِكَ حَتَّى اسْتَهَرَ فِي النَّصَارَى وَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْيَهُودَ وَ الْمَجُوسَ حَتَّى افْتَخَرَتْ بِهِ النَّصَارَى وَ قَالَتْ لَوْ لَمْ يَكُنْ فِي دِينِ النَّصْرَانِيَّةِ إِلَّا بُرَيْهَةٌ لَأَجْرَأْنَا وَ كَانَ طَالِباً لِلْحَقِّ وَ الْإِسْلَامِ مَعَ ذَلِكَ وَ كَانَتْ مَعَهُ امْرَأَةٌ تَخْدُمُهُ طَالَ مَكُوثُهَا مَعَهُ وَ كَانَ يُسِرُّ إِلَيْهَا صُغْفَ النَّصْرَانِيَّةِ وَ صُغْفَ حُجَّتِهَا قَالَ فَعَرَفْتُ ذَلِكَ مِنْهُ فَضَرَبَ بُرَيْهَةَ الْأَمْرَ ظَهراً لِبَطْنٍ وَ أَقْبَلَ يَسْأَلُ فِرْقَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُخْتَلِفِينَ فِي الْإِسْلَامِ مَنْ أَعْلَمَكُمْ وَ أَقْبَلَ يَسْأَلُ عَنْ أَيْمَةِ الْمُسْلِمِينَ وَ عَنْ صَلَحَاتِهِمْ وَ عِلْمَائِهِمْ وَ أَهْلِ الْحِجَى مِنْهُمْ وَ كَانَ يَسْتَفْرِئُ فِرْقَةً فِرْقَةً لَا يَجِدُ عِنْدَ الْقَوْمِ شَيْئاً وَ قَالَ لَوْ كَانَتْ أَيْمَتُكُمْ أَيْمَةً عَلَى الْحَقِّ لَكَانَ عِنْدَكُمْ بَعْضُ الْحَقِّ فَوُصِفَتْ لَهُ الشَّيْعَةُ ... فَلَزِمَ بُرَيْهَةَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع حَتَّى مَاتَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع ثُمَّ لَزِمَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ ع حَتَّى مَاتَ فِي زَمَانِهِ فَعَسَلَهُ بِيَدِهِ وَ كَفَّنَهُ بِيَدِهِ وَ لَحَدَّهُ بِيَدِهِ وَ قَالَ هَذَا حَوَارِيٌّ مِنْ حَوَارِيِّ الْمَسِيحِ يَعْرِفُ حَقَّ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ فَتَمَنَّى أَكْثَرَ أَصْحَابِهِ أَنْ يَكُونُوا مِثْلَهُ»<sup>۱</sup>.

۱. توحيد الصدوق ص ۲۷۰- ۲۷۵ ح ۱. لازم به ذکر است این حدیث در چهار مصدر دیگر هم آمده اما همگی فاقد فقره مورد بحث هستند.

محتوا: در این حدیث از شخصی به نام بریهه<sup>۱</sup> یا بریهه<sup>۲</sup> سخن گفته شده، و تصریح شده که سرشناس ترین عالم مسیحی بین مسیحیان و یهودیان و مسلمین و مجوسیان بوده که با علمای تمام فرقه‌های اسلامی مناظره نموده و قانع نشده تا در زمان امام صادق علیه السلام بدست امام کاظم علیه السلام ایمان می‌آورد و ملازم امام صادق و امام کاظم علیه السلام می‌شود و زمانیکه فوت می‌نماید امام کاظم علیه السلام خودشان او را غسل داده و کفن و دفن نموده و می‌فرمایند: او یکی از حواری‌های مسیح است و حق خدا بر مسیح را می‌شناسد، و اکثر اصحاب امام علیه السلام آرزو کردند ای کاش مثل بریهه شوند. طبق این حدیث، چون بریهه از باب حواری بودن، حجت خدا یا وصی تلقی شده، امام کاظم علیه السلام که حجت خدا یا وصی بوده‌اند او را غسل داده‌اند.

بررسی: این حدیث از نظر سند و محتوا دارای اشکال است. اشکال سند به خاطر وجود محمد بن حماد و حسن بن ابراهیم می‌باشد که هر دو مجهولند<sup>۳</sup>، و اشکال محتوا از جهات مختلفی است: اولاً این حدیث در چند مصدر دیگر با همین سند ثبت شده و در هیچکدام این تتمه نیامده که امام کاظم علیه السلام او را غسل داده‌اند.

---

۱. بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم ص ۱۳۶ ح ۴ و ص ۳۴۰ ح ۲، الإمامة و التبصرة من الحيرة ص ۱۳۹ ح ۱۵۹، الإختصاص ص ۲۹۲  
۲. الكافي (ط - الإسلامية) ج ۱ ص ۲۲۷ ح ۱  
۳. مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول ج ۳ ص ۲۴

بررسی احادیث ۱۹۱

ثانیاً چطور از این بریهه که طبق متن حدیث، با همه فرقه‌های اسلام مناظره می‌کرده و همه ادیان او را می‌شناخته‌اند، نام و اثری موجود نیست؟  
ثالثاً چطور بعد از اسلام آوردنش که از ملازمان دو امام بزرگوار گشته هیچ نامی از او بین شیعیان و حتی راویان احادیث به میان نیامده و حتی یک حدیث از این دو امام نقل نکرده و احدی هم حدیثی از او نشنیده است؟  
رابعاً اگر امام کاظم علیه السلام او را بدست مبارک خود غسل داده بودند حتماً خبر این اتفاق مهم مشهور می‌شد و با سندهای متعددی به دست ما می‌رسید در حالی که چنین نیست.

خامساً این جمله که او از خواری مسیح است یعنی چه؟ قاضی سعید دو احتمال داده: یکی اینکه او از نسل خواری‌ها بوده و دیگر اینکه به درجه آنها رسیده، لذا چون ولّی از اولیاء گشته، سزاوار بوده که صاحب ولایت، او را غسل دهد.<sup>۱</sup>

ولی هیچیک از این دو توجیه پذیرفته نیست، اما توجیه اول، چون از نسل خواری بودن موجب نمی‌شود که فرد متصف به خواری مسیح شود و الا خیلی‌ها جزو خواری‌های عیسی علیه السلام محسوب می‌شدند، و همچنین موجب نمی‌شود که امام معصوم او را غسل دهد و الا باید خیلی‌ها را غسل می‌دادند. و اما توجیه دوم، زیرا اگر منظور از ولّی بودن او، مقرب درگاه الهی بودن باشد که این ربطی به ولایت اصطلاحی ندارد و موجب نمی‌شود امامی

---

۱. قوله: «من خواری عیسی» أي من نسلهم أو فی مرتبتهم من علو الدرجه بحيث یغسله الإمام... فكان ولّیاً من الأولیاء فینبغی أن لا یغسله إلا صاحب الولایة. شرح توحید الصدوق ج ۳ ص ۵۶۰

که ولیّ خداست او را غسل دهد و الا در میان اصحاب ائمه افراد زیادی بودند که از اولیاء خدا محسوب می شدند و هیچکدامشان را ائمه غسل نداده اند، و اگر مراد حجت یا وصی بودن وی باشد که پذیرفته نیست زیرا با ظهور اسلام، سلسله اوصیاء و حجج به نسل پیامبر ﷺ منتقل شده و کسی غیر از اهل بیت ﷺ حجت خدا و وصی نبوده است.

همه اینها به کنار، در این حدیث تصریح نشده که علت غسل دادن بریبه توسط امام معصوم، وصی بودن بریبه بوده است.

حدیث دوم: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ جُعِلْتُ فِدَاكَ مَنْ غَسَلَ فَاطِمَةَ قَالَ ذَاكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ قَالَ فَكَأَنِّي اسْتَعْظَمْتُ ذَلِكَ مِنْ قَوْلِهِ فَقَالَ كَأَنَّكَ ضِنَقَتَ مِمَّا أَخْبَرْتُكَ بِهِ قُلْتُ قَدْ كَانَ ذَلِكَ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَالَ لَا تَضِيقَنَّ فَإِنَّهَا صِدِّيقَةٌ لَا يُغَسَّلُهَا إِلَّا صِدِّيقٌ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ مَرْيَمَ لَمْ يُغَسَّلْهَا إِلَّا عِيسَى ﷺ»<sup>۱</sup>

محتوا: در این روایت مفضل بن عمر از غسل دهنده حضرت فاطمه ﷺ می پرسد و پاسخ می شنود: امیرالمؤمنین ﷺ زیرا حضرت فاطمه ﷺ صدیقه بودند و کسی جز صدیق نباید غسلشان می داده، و به همین خاطر کسی جز عیسی مادرش مریم ﷺ را غسل نداد.

بررسی: در سند این روایت دو نفر به نام های مفضل بن عمر و عبد الرحمن بن سالم هستند که اولی طبق مشهور و دومی طبق قاعده «نقل

۱. الکافی (ط - الإسلامية) ج ۱ ص ۴۵۹ ح ۴ و ج ۳ ص ۱۵۹ ح ۱۳، من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص ۱۴۲ ح ۳۹۹، تهذیب الأحکام ج ۱ ص ۴۴۰ ح ۶۷، الإستبصار فیما اختلف من الأخبار ج ۱ ص ۱۹۹ ح ۱۵، علل الشرائع ج ۱ ص ۱۸۴ ح ۱

بررسی احادیث ۱۲۱

بزنتی» مشکلی ندارند<sup>۱</sup> غیر از اینکه حدیث مذکور در کتب اربعه شیعه ثبت شده، پس قابل اعتماد است. اما از نظر محتوا دارای چهار بخش می‌باشد:

یکی اینکه مفضل با آن عظمت علمی نمی‌دانسته حضرت فاطمه علیها السلام را چه کسی غسل داده، و پذیرفتن این مطلب قدری مشکل است، دوم اینکه حضرت فاطمه را حضرت علی علیه السلام غسل داده‌اند که این در تاریخ مسلم است و نیازی به بحث ندارد، سوم بیان علت این کار که صدیق را فقط صدیق غسل می‌دهد، و صدیق در اصطلاح روایی به معنای معصوم است<sup>۲</sup>، و چهارم اینکه حضرت مریم را نیز حضرت عیسی به همین علت غسل داده است که فعلاً روایت دیگری در تایید آن نیافتیم.

ممکن است کسی پرسد اگر صدیق به معنای معصوم است، معنای این حدیث نبوی معروف چه می‌شود که صدیقیها سه تا هستند: مومن آل یس، مومن آل فرعون و علی بن ابی طالب که افضل ایشان است؟  
در پاسخ می‌گوییم: اصل این حدیث از اهل سنت است<sup>۳</sup> که توسط

---

۱. قاعده بزنتی: از آنجا که درباره بزنتی گفته شده از غیر ثقه نقل نمی‌کند، افرادی که دارای وثیق نیستند بواسطه نقل بزنتی از ایشان دارای توثیق می‌شوند.

۲. لوامع صاحبقرانی مشهور به شرح فقیه ج ۲ ص ۲۲۲، روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه (ط - القدیمة) ج ۱ ص ۳۷۱، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول ج ۵ ص ۳۴۲

۳. از جمله: ابو نعیم در معرفة الصحابة، ابن عساکر در تاریخ دمشق، ابن المغازلی در المناقب، صاحب الروض النضیر، سلفی در المشیخة البغدادیة، احمد در فضائل الصحابة، حسکانی در شواهد التنزیل، دار قطنی در الفضائل، ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغة، سیوطی در ←

روایات سنی به دو کتابِ روایی ضعیف شیعه رسوخ پیدا کرده<sup>۱</sup>، و در عموم مصادر تنها به یک نفر نسبت داده شده و او عبد الرحمن بن ابی لیلی از پدرش ابی لیلی است که نام پدرش داود بن بلال بوده<sup>۲</sup> و در کتاب عمده عیون الصحاح به اشتباه داود بن سلمان ثبت شده<sup>۳</sup> و شیخ صدوق هم که از محمد بن ابی لیلی ثبت نموده<sup>۴</sup>، سندش دارای افتادگی است و درستش: **مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي لَيْلَى عَنْ عِيسَى بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي لَيْلَى عَنْ أَبِيهِ أَبِي لَيْلَى** می‌باشد.<sup>۵</sup>

بله در یک منبع زیدی از ابو ایوب انصاری با سند مرفوع<sup>۶</sup> و در جامع الصغیر سیوطی از ابن عباس با سند ضعیف ثبت شده، اما عمده، همان یک راوی است که متذکر شدیم.

در نتیجه این از عقائد اهل سنت است که حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ را همپای مومن آل یس و مومن آل فرعون تلقی کرده اند، علاوه بر اینکه صدیق را به معنای معصوم نگرفته اند و برای همین عمر و ابوبکر و عثمان را برتر از این

→الجامع الصغیر، ابن مردویه در المناقب، دیلمی در فردوس الاخبار و مناوی در فیض القدر، همگی از ابن ابی لیلی از پدرش ابی لیلی نقل کرده اند، الا سیوطی که از ابن عباس هم نقل کرده و البته سند آن را ضعیف دانسته است.

۱. الأملی (للصدوق) ص ۴۷۶ ح ۱۸، الخصال ج ۱ ص ۱۸۴ ح ۲۵۴

۲. شواهد التنزیل لقواعد التفضیل ج ۲ ص ۳۰۶ ح ۹۳۹

۳. عمدة عیون صحاح الأخبار فی مناقب إمام الأبرار ص ۲۲۱ ح ۳۴۹

۴. الخصال ج ۱ ص ۱۸۴ ح ۲۵۴

۵. شواهد التنزیل لقواعد التفضیل ج ۲ حاشیه ص ۳۰۵

۶. تفسیر فرات الکوفی ص ۳۵۴ ح ۴۸۱

بررسی احادیث ۱۲۳۱

صدیق‌های سه گانه می‌دانند، پس اگر شیعه به این حدیث استدلال می‌کند تنها در مقابل اهل سنت می‌باشد که چرا لقب صدیق را از امیرالمؤمنین علی علیه السلام غصب نموده و برای خلیفه اول قرار داده اند، نه اینکه خود به محتوای آن عقیده داشته باشد.

به هر حال طبق حدیث مذکور، این قاعده منحصر به امام یا حجت نیست و مربوط به صدیق معصوم می‌باشد لذا حضرت مریم و حضرت فاطمه علیها السلام نیز مشمول این قاعده گشته اند. و درباره اینکه چرا صدیق به معنای معصوم است بعداً سخن خواهیم گفت.

حدیث سوم: «... قُلْتُ يَا سَيِّدِي فَإِذَا خَلَى بَيْنَكَ وَبَيْنَ غُسْلِي فَيَجْلِسُ مِنْ أُنْبِيَّتِهِ هَذِهِ مُشْرِفًا عَلَى مَوْضِعِ غُسْلِي لِيَنْظُرَ إِلَيَّ، قَالَ فَلَا تَعْرَضْ يَا هَرْتَمَةَ لِشَيْءٍ مِنْ غُسْلِي حَتَّى تَرَى فُسْطَاطًا أَيْضًا [أَبْيَضَ] قَدْ ضُرِبَ فِي جَانِبِ الدَّارِ فَإِذَا رَأَيْتَ ذَلِكَ فَاحْمِلِي فِي أَثْوَابِي الَّتِي أَنَا فِيهَا مِنْ وَرَاءِ الْفُسْطَاطِ وَقِفْ وَرَاءَهُ وَيَكُونُ مَعَكَ دُونَكَ وَلَا تَكْشِفِي عَنِ الْفُسْطَاطِ فَتَرَانِي فَتَهْلِكِ فَإِنَّهُ سَيُشْرِفُ (الْمَأْمُونُ) عَلَيْكَ وَ يَقُولُ لَكَ يَا هَرْتَمَةَ أَلَيْسَ زَعَمْتُمْ أَنَّ الْإِمَامَ لَا يُغَسَّلُهُ إِلَّا الْإِمَامُ مِثْلُهُ فَمَنْ يُغَسَّلُهُ وَابْنُهُ مُحَمَّدٌ بِالْكَوْفَةِ أَوْ فِي بِلَادِ الْحِجَازِ وَ نَحْنُ بِوَسْطِ بِلَادِ حُرَّاسَانَ فَإِذَا قَالَ لَكَ ذَلِكَ فَاجْبِيهِ وَقُلْ لَهُ مَا يُغَسَّلُهُ أَحَدٌ غَيْرٌ مَنِ ذَكَرْتَهُ فَإِذَا ازْتَمَعَ الْفُسْطَاطُ فَسَوْفَ تَرَانِي مُنْدَرِجًا فِي أَكْفَانِي مُحْنَطًا فَصَعْنِي عَلَى نَعْشٍ ... قَالَ: فَلَمْ أَرَلْ قَائِمًا حَتَّى رَأَيْتُ ذَلِكَ الْفُسْطَاطَ الْأَبْيَضَ قَدْ نُصِبَ إِلَى جَانِبِ الدَّارِ فَحَمَلْتُهُ فَوَضَعْتُهُ إِلَى جَانِبِ الْفُسْطَاطِ فَعَبَرَ الْفُسْطَاطَ وَ صَارَ دَاخِلَهُ وَ قَعَدْتُ فِي ظَاهِرِهِ وَ كُلُّ مَنْ فِي الدَّارِ دُونِي ... فَصَاحَ (الْمَأْمُونُ) يَا

هَزْمَةٌ أَلَيْسَ زَعَمْتُمْ أَنَّ الْإِمَامَ لَا يُغَسَّلُ إِلَّا إِمَامٌ مِثْلُهُ فَأَيُّنَ مُحَمَّدُ ابْنُهُ عَنْهُ وَهُوَ فِي مَدِينَةِ الرَّسُولِ وَهَذَا بِطُوسَ بِخُرَّاسَانَ فَقُلْتُ لَهُ وَ اللَّهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَا يُغَسَّلُهُ غَيْرُ مَنْ ذَكَرْتَهُ فَسَكَتَ عَنِّي<sup>۱</sup> ثُمَّ ارْتَفَعَ الْفُسْطَاطُ فَإِذَا أَنَا بِهِ مُدْرَجٌ فِي أَكْفَانِهِ فَوَضَعْتُهُ عَلَى نَعْسِهِ»<sup>۲</sup>.

محتوا: خلاصه این حدیث آنست که امام رضا علیه السلام هرثمه را مسئول رسیدگی به کارهای بعد از وفات خود نموده و فرمودند: وقتی خواستی مرا غسل دهی اقدامی نکن تا خیمه‌ای سفید ظاهر شود؛ بدن مرا به آن انتقال بده و خود بیرون رو که من غسل داده می‌شوم، بعد از غسل، مامون که گمان کرده تو مرا غسل داده‌ای به تو اعتراض می‌کند که مگر شما شیعیان اعتقاد ندارید امام را فقط امامی مثل خودش غسل می‌دهد؟ پس چه کسی علی بن موسی الرضا را غسل داد در حالی که فرزندش محمد در مدینه است و او در طوس. و تو به او پاسخ بده که غیر از فرزندش محمد کسی او را غسل نمی‌دهد و چون خیمه برداشته شد مرا کفن کرده و آماده‌ی خواهی یافت و همین گونه شد.

بررسی: عموم روایان این حدیث مجهولند، و از نظر محتوا نیز این

۱. و در نقل دلائل الإمامة چنین ثبت شده: «فَقُلْتُ لَهُ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ: إِنَّا نَقُولُ إِنَّ الْإِمَامَ يَجِبُ أَنْ يُغَسَّلَهُ إِمَامٌ مِثْلُهُ، فَإِنْ تَعَدَّى مُتَعَدِّ فَغَسَلَ الْإِمَامَ لَمْ يَبْطُلْ إِمَامَةٌ الْإِمَامِ لِتَعَدِّي غَابِلِهِ، وَلَا بَطَلَتْ إِمَامَةٌ الْإِمَامِ الَّذِي بَعْدَهُ بِأَنْ غَلِبَ عَلَى غُسْلِ أَبِيهِ؛ وَلَوْ تَرَكَ أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَا بِالْمَدِينَةِ لَغَسَلَهُ ابْنُهُ مُحَمَّدٌ ظَاهِرًا، وَلَا يُغَسَّلُهُ إِلَّا هُوَ مِنْ حَيْثُ يُخْفَى قَالَ: فَسَكَتَ عَنِّي». دلائل الإمامة (ط - الحديثية) ص ۳۵۴

۲. عیون أخبار الرضا علیه السلام ج ۲ ص ۲۴۵ - ۲۴۸



بررسی احادیث ۱۲۵۱

اشکال را دارد که هرثمه محرم اسرار حضرت در مسائل غسل و کفن ایشان معرفی شده و امر غسل ایشان به او سپرده گشته، در حالی که طبق مشهور و به چندین سند صحیح<sup>۱</sup>، محرم سرّ امام در باب وفات و غسلشان ابو الصلت هروی بوده نه هرثمه، ثانیاً چگونه ممکن است غسل کسی که ولی عهد خلیفه بوده بدون حضور ارکان حکومتی رخ داده باشد؟ ولی این اشکال در همان احادیث صحیح پاسخ داده شده که امام جواد علیه السلام با طی الارض تشریف آورده، پدر را غسل و کفن نموده و بر ایشان نماز خوانده‌اند و سپس جنازه به حالت قبل از غسل در آمده و غلامان مامون ندانسته جنازه را دوباره غسل داده‌اند: «... وَ نَزَلَ التَّابُوتُ فَقَامَ عليه السلام فَاسْتَخْرَجَ الرِّضَا عليه السلام مِنَ التَّابُوتِ وَ وَضَعَهُ عَلَى فِرَاشِهِ كَأَنَّهُ لَمْ يُغَسَّلْ وَ لَمْ يُكَفَّنْ ثُمَّ قَالَ لِي يَا أَبَا الصَّلْتِ قُمْ فَافْتَحِ الْبَابَ لِلْمَأْمُونِ فَفَتَحْتُ الْبَابَ فَإِذَا الْمَأْمُونُ وَ الْغُلَمَانُ بِالْبَابِ ... وَ قَالَ خُذُوا فِي تَجْهِيزِهِ»<sup>۲</sup>.

اشکال دیگری که در این حدیث وجود دارد علم مامون به عقیده شیعیان درباره غسل امام است: «أَلَيْسَ زَعَمْتُمْ أَنَّ الْإِمَامَ لَا يُغَسَّلُهُ إِلَّا الْإِمَامُ مِثْلُهُ»، اما این عجیب نیست زیرا او در مدت کوتاهی که با امام رضا علیه السلام مجالست داشت معارف زیادی از جمله خلافت انتصابی و معصوم بودن انبیاء و ائمه علیهم السلام را از ایشان آموخت و این در احادیث بیان شده است.<sup>۳</sup>

۱. عیون أخبار الرضا علیه السلام ج ۲ ص ۲۴۲

۲. عیون أخبار الرضا علیه السلام ج ۲ ص ۲۴۴

۳. به عنوان مثال: توحید الصدوق ص ۷۴ ح ۲۸ و ص ۱۲۱ ح ۲۴

نتیجه اینکه هر چند این حدیث ابهاماتی دارد ولی با توجه به احادیث صحیح‌السند مبنی بر حضور اعجاز گونه امام جواد علیه السلام برای غسل پدر بزرگوارشان، اصل ماجرا پذیرفته است. البته سید مرتضی در مورد این حضور اعجازی اشکالاتی دارد که ذیل روایات غسل امام رضا توسط امام جواد علیه السلام به آنها پاسخ می‌دهیم.

حدیث چهارم: «... یا عبد الرحمن اذا كان في آخر يومي هذا و ارتفعت الصيحة فانه سيوافيك ابني محمد فيدعوك الى غسلني فاذا غسلتموني و صليتم علي فاعلم هذا الطاغية لئلا ينقص علي شيئا و لن يستطيع ذلك ... فاذا قائل من خلفي يقول: مه يا عبد الرحمن، فالتفت فاذا الحائط قد انفرج فاذا انا بمولاي ابي جعفر عليه السلام و عليه دراعة بيضاء معمم بعمامة سوداء فقال: يا عبد الرحمن قم الى غسل مولاك فضعه على المغتسل، و غسله بثوبه كغسل رسول الله صلى الله عليه و آله. فلما فرغ، صلى و صليت معه عليه، ثم قال: لي يا عبد الرحمن اعلم هذا الطاغية ما رأيت لئلا ينقص عليه شيئا و لن يستطيع ذلك.

و لم أزل بين يدي سيدي الى أن انفجر عمود الصبح فاذا أنا بالمأمون قد أقبل في خلق كثير فمنعني هيئته ان أبدأ بالكلام فقال: يا عبد الرحمن بن يحيى ما أكذبكم أستم تزعمون انه ما من امام يمضي إلا و ولده القائم مكانه يلي أمره؟ هذا علي بن موسى بخراسان و محمد ابنه بالمدينة. قال: فقلت: يا أمير المؤمنين أما اذا ابتدأتني فاسمع انه لما كان أمس قال لي سيدي كذا و كذا فوالله ما حضرت صلاة المغرب حتى قضى، فدنوت منه

بررسی احادیث ۱۲۷۱

فاذا قائل من خلفي يقول: مه يا عبد الرحمن...»<sup>۱</sup>

محتوا و بررسی: این حدیث از نظر محتوا شبیه روایت قبل است و از نظر سند و معنا نیز همان اشکالات را دارد، ولی به هر حال به قانون غسل نظر دارد، اینکه: امام را فقط امام بعدی غسل می دهد.

حدیث پنجم: «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ كَانَ فِيمَا أَوْصَى بِهِ إِلَيَّ أَبِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ قَالَ يَا بُنَيَّ إِذَا أَنَا مِتُّ فَلَا يَلِيَّ غُسْلِي غَيْرُكَ فَإِنَّ الْإِمَامَ لَا يُغَسَّلُهُ إِلَّا إِمَامٌ مِثْلُهُ وَ اعْلَمْ يَا بُنَيَّ أَنَّ عَبْدَ اللَّهِ أَخَاكَ سَيَدْعُو النَّاسَ إِلَى نَفْسِهِ فَأَمْنَعُهُ فَإِنَّ أَبِي فَدَعَاهُ فَإِنَّ عُمَرَ قَصِيرٌ قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلَمَّا مَضَى أَبِي ادَّعَى عَبْدَ اللَّهِ الْإِمَامَةَ فَلَمْ أَنَاذِعْهُ فَلَمْ يَلْبَثْ إِلَّا شَهْرًا يَسِيرًا حَتَّى قَضَى نَحْبَهُ»<sup>۲</sup>

محتوا: امام سجاد عليه السلام به امام باقر عليه السلام فرمودند: فرزندم وقتی من وفات نمودم کسی غیر از تو متولی غسل من نشود چون امام را غسل نمی دهد الا امامی مثل خودش.

بررسی: در این نسخه اشتباهاً ابن جعفر (یعنی امام موسی عليه السلام)، ابی جعفر ثبت گشته، و وصیت مذکور نیز به امام علی بن الحسین نسبت داده شده و کسی که به دروغ ادعای امامت خواهد کرد و زود خواهد مرد عبدالله پسر امام سجاد معرفی گشته است. دلیل ما بر این اشتباه اینست که: اولاً آن عبد الله که برادر امام بوده و ادعای امامت نموده و عمرش

۱. إثبات الوصية ص ۲۱۵-۲۱۶

۲. الخرائج والجرائح ج ۱ ص ۲۶۴، مناقب آل أبي طالب عليه السلام ج ۴ ص ۲۲۴

کوتاه بوده، عبد الله افطح پسر امام جعفر صادق عليه السلام است که فطحیه قائل به امامت وی شدند نه عبد الله بن علی پسر امام سجّاد عليه السلام، و در هیچ کتابی به عبد الله بن علی ادعای امامت نسبت داده نشده و هیچ شیعه ای نیز قائل به امامت وی نبوده، بلکه این عبد الله مورد تمجید امام باقر عليه السلام بوده است: «أما عبد الله فيدي التي أبطش بها»<sup>۱</sup> و شیخ مفید درباره اش نگاشته: «كَانَ فَاضِلًا فَتَمِيمًا»<sup>۲</sup>.

ثانیاً در روایت دیگری این وصیت که عبد الله ادعای امامت خواهد کرد و عمرش کوتاه خواهد بود درباره عبد الله افطح از موسی بن جعفر از امام صادق عليه السلام بیان شده است: «سمعت العبد الصالح يعني موسى بن جعفر عليه السلام يقول: لما وقع أبو عبد الله عليه السلام في مرضه الذي مضى فيه قال لي: يا بني لا يلي غسلني غيرك فاني غسلت أبي، و الأئمة يغسل بعضهم بعضا. و قال لي: يا بني ان عبد الله سيّدعي الامامة فدعه فانّه أول من يلحقني من أهلي»<sup>۳</sup>، و اتفاقاً راوی هر دو نقل، ابو بصیر می باشد، پس این حدیث همان حدیث است که دچار تصحیف شده. بلکه در نقل کتاب مناقب، عین متن روایت مذکور با اختلاف کم به موسی بن جعفر عليه السلام نسبت داده شده است: «قَالَ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عليه السلام فِيمَا أَوْصَانِي بِهِ أَبِي أَنْ قَالَ

۱. عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سیده النساء إلى الإمام الجواد ج ۱۹-الباقع ص ۳۴۶)  
 ۲. الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد ج ۲ ص ۱۶۹  
 ۳. إثبات الوصية ص ۱۹۸

بررسی احادیث ۱۲۹۱

يَا بُنَيَّ إِذَا مِتُّ فَلَا يُغَسِّلُنِي أَحَدٌ غَيْرَكَ فَإِنَّ الْإِمَامَ لَا يُغَسَّلُهُ إِلَّا إِمَامٌ وَاعْلَمْ  
أَنَّ عَبْدَ اللَّهِ أَخَاكَ سَيَدُّعُو النَّاسَ إِلَى نَفْسِهِ فَدَعُهُ فَإِنَّ عُمُرَهُ قَصِيرٌ فَلَمَّا أَنْ مَضَى  
غَسَلْتُهُ كَمَا أَمَرَنِي وَادَّعَى عَبْدُ اللَّهِ الْإِمَامَةَ مَكَانَهُ فَكَانَ كَمَا قَالَ أَبِي وَ مَا لَبِثَ  
عَبْدُ اللَّهِ يَسِيرًا حَتَّى مَاتَ»<sup>۱</sup>.

ثالثاً شیخ صدوق مضمون این حدیث را تنها به امام صادق علیه السلام نسبت داده است.<sup>۲</sup>

رابعاً در حدیثی از امام رضا علیه السلام نسبت این روایت تنها به امام صادق علیه السلام تأیید شده است: «أَنَّ الَّذِي بَلَغَكَ هُوَ الْحَقُّ»<sup>۳</sup>.

با این توضیحات مشخص می‌شود که کلمه «علی بن الحسین» به عنوان تفسیر «أبی» و «الباقر» به عنوان تفسیر فاعل «قال» از اضافات نسخه بردار بوده و روایت دچار تصحیف شده است.<sup>۴</sup> ولی به هر حال به قانون غسل امام توسط امام تصریح دارد بلکه این نکته را نیز اضافه می‌کند که باید امامی مثل امام فوت شده او را غسل دهد. البته سند حدیث مرسل است ولی از احادیث متعدد که بعداً متذکر می‌شویم چنین بر می‌آید که نسبت این حدیث به امام صادق علیه السلام مشهور بوده است.

۱. مناقب آل أبي طالب علیهم السلام ج ۴ ص ۲۲۴

۲. إن الصادق ع إنما نهى أن يغسل الإمام إلا من يكون إماماً. عيون أخبار الرضا علیه السلام ج ۱ ص ۱۰۶

۳. مختصر البصائر ص ۷۶ ح ۴۸

۴. اشکال نشود که مگر این همه تصحیف ممکن است؟ زیرا این روایت در دو کتاب ضعیف خرائج و مناقب آمده که قابلیت رخداد تصحیف در نقلهای آنها زیاد است.

حدیث ششم: «سَمِعْتُ الْعَبْدَ الصَّالِحَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: لَمَّا حَضَرَ أَبِي الْمَوْتُ قَالَ: يَا بُنَيَّ لَا يَلِيَّ غُسْلِي غَيْرُكَ، فَإِنِّي غَسَلْتُ أَبِي، وَغَسَلَ أَبِي أَبَاهُ، وَ الْحُجَّةُ يَغْسِلُ الْحُجَّةَ».<sup>۱</sup>

محتوا: مفاد این حدیث - که سندش ضعیف می باشد - اینست که هر امامی را امام قبلی غسل می داده چون حجت را حجت غسل می دهد، و حجت شامل امامان و پیامبران می شود، اما کسانی مثل حضرت مریم را در بر نمی گیرد، همچنان که شمولش نسبت به حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ نیز مشکوک است زیرا ایشان حجت به معنای اصطلاح کلامی نبوده اند و در حدیثی از امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ تصریح شده که حجت های الهی تنها پیامبران و ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ هستند: «إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ حُجَّةَ ظَاهِرَةً وَ حُجَّةَ بَاطِنَةً فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْأَئِمَّةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ أَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ».<sup>۲</sup>

اما در نقل اثبات الوصیه و کتاب مناقب، روایت چنین ثبت شده که قانون غسل مربوط به ائمه است و نسبت به انبیاء بیانی ندارد: «یا بنی لا یلی

---

۱. دلایل الإمامة (ط - الحدیثة) ص ۳۲۸ ح ۲۸. هر چند در سطور گذشته، اتحاد شبیه این حدیث با حدیث قبلی ثابت شد ولی چون خود این روایت از نظر متن دارای تفاوت است احتمال استقلال آن وجود دارد و لذا آن را حدیث دیگری بر شمردیم.

۲. الکافی (ط - الإسلامیة) ج ۱ ص ۱۶. گاهی چنین اشکال می شود که در این روایت از ادات حصر استفاده نشده لذا منافاتی ندارد که غیر اینها نیز حجت معرفی شوند. در حالی که از نوع بیان این روایت کاملاً واضح است امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ در مقام بیان اقسام حجت های الهی می باشند و حجت دیگری غیر از پیامبران و ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ذکر نکرده اند و همین برای فهم حصر حجت در این دو دسته کفایت می کند.

بررسی احادیث ۱۳۱۱

غسلي غيرك فاني غسلت أبي، و الأئمة يغسل بعضهم بعضاً<sup>۱</sup> و: «يَا بُنَيَّ إِذَا  
أَنَا مِتُّ فَلَا يُغَسِّلُنِي أَحَدٌ غَيْرَكَ فَإِنَّ الْإِمَامَ لَا يُغَسَّلُ إِلَّا إِمَامًا»<sup>۲</sup>.

بررسی: ولی در اینجا دو اشکال وجود دارد:

یکی اینکه: در این حدیث تصریح شده: امام باقر نیز وصی امام  
سجاد علیه السلام در امر غسل دادن بوده‌اند در حالی که در حدیث دیگری آمده  
امام سجاد علیه السلام به کنیز خود وصیت نمودند ایشان را غسل دهد و او هم  
غسل داد: «أَنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ علیه السلام أَوْصَى أَنْ تُغَسَّلَهُ أُمُّ وُلْدٍ لَهُ إِذَا مَاتَ  
فَغَسَّلَتْهُ»<sup>۳</sup>، و این خیلی عجیب است. زیرا چطور معقول است امام  
سجاد علیه السلام با وجود داشتن پسران متعدد مخصوصاً امام باقر علیه السلام که جانشین  
ایشان در امر امامت بوده‌اند به کنیز خود در امر غسل وصیت نمایند؟  
همچنان که چطور او توانسته یک نفری امام را غسل دهد در حالی که امام  
علی علیه السلام برای غسل پیامبر - به غیر از ملائکه که بدن را چپ و راست  
می‌کردند<sup>۴</sup> - یکی دو نفر کمک برای آب آوردن و آب ریختن داشتند.<sup>۵</sup>  
غیر از اینکه چنین وصیتی مخالف این همه روایاتی است که از قانون

۱. إثبات الوصية ص ۱۹۸

۲. مناقب آل أبي طالب علیهم السلام ج ۴ ص ۲۲۴. البته منظور ما این نیست که حدیث ناظر به پیامبران  
هم بوده و قانون غسل را از ایشان نفی می‌کند بلکه می‌گوییم لفظ حدیث تنها در مورد ائمه دوازده  
گانه علیهم السلام سخن می‌گوید.

۳. تهذیب الأحکام ج ۱ ص ۴۴۴ ح ۸۲

۴. «لَا يُرِيدُ عُضْوًا إِلَّا قَلْبَهُ». کتاب سلیم بن قیس الهمدانی ج ۲ ص ۵۷۸

۵. کتاب سلیم بن قیس الهمدانی ج ۲ ص ۵۷۱، علل الشرائع ج ۱ ص ۱۸۸

## ۱۳۲۱ قانون غسل امام

غسل امام سخن می‌گوید<sup>۱</sup>. لذا بر فرض که چنین وصیتی از امام صادر شده باشد به نظر می‌رسد در جهت تقیه برای شناخته نشدن وصی رسمی خود توسط بنی امیه بوده<sup>۲</sup>، و در خفا، خود امام باقر علیه السلام غسل پدر را بر عهده داشته اند، و احتمال هم دارد امام سجاد علیه السلام به او به عنوان کمک کار امام باقر علیه السلام در غسل وصیت کرده باشند<sup>۳</sup>، در نتیجه اشکال اول وارد نیست.

غیر از اینکه در حدیث دیگری تصریح شده که امام باقر علیه السلام پدرشان را غسل داده اند: «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ علیه السلام أَنَّهُ لَمَّا أَخَذَ فِي غُسْلِ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ علیه السلام أَحْضَرَ مَعَهُ مَنْ رَعَاهُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ...»<sup>۴</sup>.

دوم اینکه: این روایت تصریح می‌کند امام کاظم علیه السلام وصی غسل پدر بوده‌اند در حالی که در روایت دیگری به سند صحیح<sup>۵</sup> می‌گوید معاویه بن عمار این کار را به عهده داشته است: «أَمَرَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنْ أُعْصِرَ بَطْنَهُ ثُمَّ أُوْصِيَهُ ثُمَّ أَعْسَلَهُ بِالْأَشْتَانِ ثُمَّ أَعْسَلَ رَأْسَهُ بِالسُّدْرِ وَ لِحْيَتَهُ ثُمَّ أُفِيضَ عَلَيَّ جَسَدِهِ مِنْهُ ثُمَّ أَذْلَكَ بِهِ جَسَدَهُ ثُمَّ أُفِيضَ عَلَيْهِ ثَلَاثًا ثُمَّ أَعْسَلَهُ بِالْمَاءِ الْفَرَّاحِ ثُمَّ

۱. إنه معلوم من مذهب الشيعة وأخبارهم أن الإمام لا يغسله إلا إمام. ملاذ الأخبار في فهم

تهذيب الأخبار ج ۳ ص ۲۵۴

۲. الظاهر أن الوصية أيضا كانت تقية. روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه (ط -

القديمه) ج ۱ ص ۳۷۱

۳. و يحتمل أن تكون معاوية للإمام عليه السلام في غسله. ملاذ الأخبار في فهم تهذيب الأخبار

ج ۳ ص ۲۵۴

۴. دعائم الإسلام ج ۲ ص ۳۳۰ ح ۱۲۴۸

۵. ملاذ الأخبار في فهم تهذيب الأخبار ج ۲ ص ۴۹۵



بررسی احادیث ۱۳۳۱

أُفِيضَ عَلَيْهِ الْمَاءَ بِالْكَافُورِ وَ بِالْمَاءِ الْقَرَّاحِ وَ أَطْرَحَ فِيهِ سَنَعٌ وَ رَقَاتٍ سِدْرٍ»<sup>۱</sup>  
اما با کمی دقت متوجه می شویم این روایت در مورد آموزش طریقه غسل دادن میت به معاویه بن عمار است نه وصیت به اینکه او متولی غسل امام صادق علیه السلام باشد، پس مرجع ضمائر در این حدیث، شخص میت است نه امام صادق علیه السلام.<sup>۲</sup>

### علت این برداشت اینست که:

اولاً روایت در مورد وصیت هیچ سخنی نزده و مستقیماً وارد بیان نحوه غسل شده است.

ثانیاً معقول نیست امام صادق علیه السلام با وجود داشتن برادر و فرزند مخصوصاً امام کاظم علیه السلام به یکی از اصحاب خود وصیت غسل کنند.  
ثالثاً چرا امام در میان این همه اصحاب بزرگ باید به معاویه وصیت نمایند؟

رابعاً اگر واقعاً معاویه وصی امام صادق علیه السلام در غسل بوده، این نکته میان اصحاب امام علیه السلام پخش می شد و او از جایگاه بسیار خاصی بر خوردار می گشت بلکه به غاسل امام مشهور می شد، در حالی که نه تنها در هیچ حدیث و کتاب تاریخی پیرامون زندگی امام صادق علیه السلام از غسل ایشان توسط معاویه سخن نرفته، که در مورد خود او نیز هیچ سندی مبنی بر اینکه وی امام را غسل داده باشد وجود ندارد.

۱. تهذیب الأحکام ج ۱ ص ۳۰۳ ح ۵۰

۲. ملاذ الأخبار فی فهم تهذیب الأخبار ج ۲ ص ۴۹۵

همه اینها به کنار، بر فرض امام علیه السلام به وی چنین وصیتی کرده باشند، این حدیث نمی گوید معاویه هم غسل امام را انجام داده است بلکه فقط از امر امام سخن می گوید، لذا ممکن است امام علیه السلام از روی تقیه در برهه‌ای از زمان چنین وصیتی کرده باشند و بعد در زمان مناسب، وصیت خود را تغییر داده و امام کاظم علیه السلام را وصی غسل خود قرار داده باشند. همچنان که حدیث شماره ۵ به این مطلب تصریح دارد: «لَمَّا حَضَرَ أَبِي الْمَوْتُ قَالَ: يَا بُنَيَّ لَا يَلِيَّ غُسْلِي غَيْرُكَ». و حتی می توان گفت: از آنجا که امام صادق علیه السلام از شدت تقیه نمی خواستند وصی رسمی شان مشخص باشد و از همین روی پنج نفر را به عنوان وصی خود معین نمودند - که از جمله آنها شخص خلیفه غاصب، والی ستمگر مدینه و همسرشان حمیده بود - در ظاهر به معاویه بن عمار وصیت به غسل کرده‌اند اما در باطن خود امام کاظم علیه السلام ایشان را غسل داده‌اند. در نتیجه اشکال دوم نیز پذیرفته نیست.

حدیث هفتم: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِنَّ أَبِي أَمَرَنِي أَنْ أَعْسِلَهُ إِذَا تُوَفِّيَ وَ قَالَ لِي اكْتُبْ يَا بُنَيَّ ثُمَّ قَالَ إِنَّهُمْ يَأْمُرُونَكَ بِخِلَافِ مَا تَصْنَعُ فَقُلْ لَهُمْ هَذَا كِتَابُ أَبِي وَ لَسْتُ أَعْدُو قَوْلَهُ»<sup>۱</sup>.

محتوا: امام باقر به امام صادق علیه السلام امر کردند که وقتی وفات نمودم تو مرا غسل بده و این وصیت را مکتوب نما و در مقابل مخالفت‌ها کوتاه نیا و به این نوشته استدلال کن.

بررسی احادیث ۱۳۵۱

بررسی: سند این حدیث مرسل<sup>۱</sup> و مجهول است ولی از نظر محتوا تصریح دارد که با وجود فرزندان و برادران متعدد برای امام باقر علیه السلام، ایشان امام صادق علیه السلام را مأمور غسل دادن خویش می‌کنند، گو اینکه علامت شناخت امام بعدی همین بوده است اما نمی‌گویند این غسل، قانون امامت است یا حجت، ولی اشاره به وصایت دارد زیرا امر می‌کنند که فرزندشان وصیت به غسل را مکتوب نموده و به آن استدلال نماید.

تنها اشکالی که به محتوای این حدیث شده اینست که: در حدیثی به سند صحیح گفته شده غاسل بدن امام باقر علیه السلام فرشتگان بوده اند. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: مردی که با مدینه چند فرسخی فاصله داشت در خواب دید که به او گفته شد: برو بر ابو جعفر (امام باقر علیه السلام) نماز بخوان که فرشتگان او را در بقیع غسل می‌دهند، او آمد و دید ابو جعفر وفات کرده است.<sup>۲</sup>

اما غسل دادن ملائکه هیچ منافاتی با غسل دادن امام صادق علیه السلام ندارد، همچنان که این در جای خود ثابت شده که فرشتگان در غسل بدن معصوم شرکت داشته‌اند.

حدیث هشتم: «إِنَّا رَوَيْنَا عَنْ آبَائِكَ أَنَّ الْإِمَامَ لَا يَلِي أَمْرَهُ إِلَّا إِمَامٌ مِثْلُهُ فَقَالَ لَهُ أَبُو الْحَسَنِ علیه السلام: فَأَخْبَرَنِي عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ علیه السلام كَانَ إِمَاماً أَوْ

۱. ملاذ الأخيار في فهم تهذيب الأخبار ج ۲ ص ۴۹۶

۲. الكافي (ط - الإسلامية) ج ۸ ص ۱۸۳ ح ۲۰۷

۱۳۶۱ قانون غسل امام

كَانَ غَيْرَ إِمَامٍ قَالَ كَانَ إِمَامًا، قَالَ: فَمَنْ وَلِيَّ أَمْرِهِ قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، قَالَ: وَ  
أَيْنَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ كَانَ مَحْبُوسًا بِالْكُوفَةِ فِي يَدِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ  
زِيَادٍ، (فقال: كيف ولي أمر أبيه و هو محبوس؟) <sup>۱</sup> قَالَ خَرَجَ وَ هُمْ لَا يَعْلَمُونَ  
حَتَّى وَلِيَ أَمْرَ أَبِيهِ ثُمَّ انْصَرَفَ، فَقَالَ لَهُ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ الَّذِي أَمَكَنَ عَلِيَّ  
بْنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ يَأْتِيَ كَرْبَلَاءَ فَيَلِيَّ أَمْرَ أَبِيهِ فَهُوَ يُمَكِّنُ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ  
أَنْ يَأْتِيَ بَغْدَادَ فَيَلِيَّ أَمْرَ أَبِيهِ ثُمَّ يَنْصَرِفَ، وَ لَيْسَ فِي حَبْسٍ وَ لَا فِي إِسَارٍ. <sup>۲</sup>

محتوا: یکی از سران واقفیه به امام رضا علیه السلام اشکال کرد که طبق روایات پدرانت، امر غسل و کفن و دفن امام را فقط امامی مثل او بر عهده دارد در حالی که شما نمی توانسته اید پدرتان را در زندان بغداد غسل دهید پس امام نیستید.

امام رضا علیه السلام فرمودند: آیا حسین بن علی امام نبود؟ گفت: چرا بود. فرمودند: چه کسی متولی کفن و دفن او شد؟ <sup>۳</sup> گفت: علی بن حسین. فرمودند: علی بن حسین که زندانی عبید الله بن زیاد در کوفه بود! گفت: او از زندان خارج شد و به کربلا رفت و کارها را انجام داد و برگشت و دشمنان نفهمیدند.

امام فرمودند: خدایی که برای علی بن حسین این امکان را فراهم کرد

۱. از نسخه إثبات الوصية

۲. رجال الكشي - إختيار معرفة الرجال ص ۴۶۴، إثبات الوصية ص ۲۰۷-۲۰۸

۳. البته امام حسین علیه السلام چون شهید معرکه بودند غسل نداشتند و اصلاً مگر می شد آن بدن صد پاره را غسل داد؟ یا الله!

بررسی احادیث ۱۳۷۱

که تا به کربلا رفته و کارهای پدرش را انجام دهد برای امام فعلی هم می‌تواند چنین امکانی را فراهم نماید که به زندان بغداد رفته و کارهای پدرش را انجام داده و بر گردد و نه زندانی شود و نه اسیر.

بررسی: سند حدیث مرسل و مجهول است ولی از نظر محتوا بیان می‌کند که قانون غسل امام توسط امام، از یک امام نرسیده بلکه پدران امام رضا علیه السلام به آن تصریح نموده‌اند؛ و حق هم همین است همچنان که قبل از این احادیثی از امام سجاد و امام باقر و امام صادق علیهم السلام در این باره آوردیم. سوال کننده در این روایت از فرقه واقفیه است و به امام رضا علیه السلام اشکال می‌کند که اگر شما امام هستید چطور پدر خود را غسل نداده‌اید؟ امام رضا علیه السلام برای اینکه بفهمانند به جهت رعایت این قانون با طی الارض به بغداد رفته و پدرشان را غسل داده‌اند، از یک تنظیر استفاده نموده و می‌فرماید: همان خدایی که امام سجاد را مکتد داد تا به کربلا رفته و متولی امر پدرش بشود به امام حاضر نیز این مکتد را می‌دهد که به بغداد رفته، متولی امر پدرش شده و بر گردد.

نکته قابل توجه اینکه در روایت مذکور، قانون غسل مقید به این شده که امامی مثل همان امام او را غسل می‌دهد که امام رضا علیه السلام با سکوت خود این قید را تقریر نموده‌اند، و این در چند روایت قبل نیز ذکر شده بود.

حدیث نهم: «عَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ إِنَّهُمْ يُحَاجُّونَا يَقُولُونَ إِنَّ الْإِمَامَ لَا يُغَسَّلُهُ إِلَّا الْإِمَامُ قَالَ فَقَالَ مَا يُدْرِيهِمْ مَنْ غَسَّلَهُ فَمَا قُلْتُ لَهُمْ قَالَ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ قُلْتُ لَهُمْ إِنَّ قَالَ مَوْلَايَ إِنَّهُ غَسَّلَهُ تَحْتَ عَرْشِ رَبِّي فَقَدْ

۱۳۸۱ قانون غسل امام

صَدَقَ وَإِنْ قَالَ غَسَلَهُ فِي تَحْوِمِ الْأَرْضِ فَقَدْ صَدَقَ قَالَ لَا هَكَذَا قَالَ فَقُلْتُ فَمَا أَقُولُ لَهُمْ قَالَ قُلْ لَهُمْ إِنِّي غَسَلْتُهُ فَقُلْتُ أَقُولُ لَهُمْ إِنَّكَ غَسَلْتَهُ فَقَالَ نَعَمْ.<sup>۱</sup>

محتوا: واقفیه اشکال می‌کردند که امام را باید امام غسل دهد، امام

رضا علیه السلام نیز فرمودند: من پدرم را غسل داده ام.

بررسی: سند روایت طبق مشهور ضعیف است<sup>۲</sup> و محتمل الإرسال نیز

هست، ولی از نظر محتوا، راوی، اشکال فرقه واقفیه را برای امام رضا علیه السلام مطرح می‌کند که آنها می‌گویند اگر رضا امام است چطور پدرش را غسل نداده؟ و امام رضا علیه السلام دو بار تصریح می‌کنند من ایشان را غسل داده ام. و از آنجا که امام رضا علیه السلام در مدینه و امام کاظم علیه السلام در زندان بغداد بوده اند، لازمه حضور امام رضا علیه السلام برای غسل پدر، اعجاز الهی و طی الارض بوده است. و این می‌رساند که غسل امام قبل توسط امام بعد چقدر حائز اهمیت بوده که امام علیه السلام برای تحققش متوسل به طی الارض و دیگر اعجازهای الهی شده‌اند و به آن نیز تصریح می‌نمایند.

البته مرحوم فیض کاشانی احتمال داده که مراد امام رضا علیه السلام از اینکه می‌گویند من پدرم را غسل داده ام، غسل ایشان در زمان حیاتشان در مدینه بوده نه غسل بعد از وفات امام در بغداد. و برای این سخن به روایتی استدلال می‌کند که تصریح دارد: امام کاظم علیه السلام قبل از رفتن به بغداد به امر رسول

۱. الکافی (ط - الإسلامية) ج ۱ ص ۳۸۴ - ۳۸۵ ح ۱

۲. مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول ج ۴ ص ۲۵۶

بررسی احادیث ۱۳۹۱

خدا دستور دادند فرزندشان امام رضا علیه السلام ایشان را غسل دهد تا قانون غسل امام توسط رعایت شود، اما در این حدیث توریه فرموده و نمی گویند مرادم از اینکه گفتم پدرم را غسل داده ام غسل در زمان حیات است نه بعد از ممات.<sup>۱</sup>

ما درباره حدیث مذکور به زودی سخن خواهیم گفت و شاید سخن مرحوم فیض بعید نباشد چون وقتی راوی از غسل دادن های غیبی در تحت عرش و اعماق زمین حرف می زند امام می فرمایند اینگونه نگو: «قُلْتُ لَهُمْ إِنَّ قَالَ مَوْلَايَ إِنَّهُ غَسَلَهُ تَحْتَ عَرْشِ رَبِّي فَقَدْ صَدَقَ وَإِنْ قَالَ غَسَلَهُ فِي تَحْوِيمِ الْأَرْضِ فَقَدْ صَدَقَ قَالَ لَا هَكَذَا». ولی به هر حال، اگر سخن مرحوم فیض را هم بپذیریم باز قانون غسل امام توسط امام تایید می شود.

حدیث دهم: «كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا علیه السلام: إِنَّا قَدْ رَوَيْنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع: «أَنَّ الْإِمَامَ لَا يُغَسَّلُهُ إِلَّا الْإِمَامُ» وَ قَدْ بَلَّغْنَا هَذَا الْحَدِيثَ فَمَا تَقُولُ فِيهِ؟ فَكَتَبَ إِلَيَّ: «أَنَّ الَّذِي بَلَغَكَ هُوَ الْحَقُّ» قَالَ: فَدَخَلْتُ عَلَيْهِ بَعْدَ ذَلِكَ، فَقُلْتُ لَهُ: أَبُوكَ مَنْ غَسَلَهُ، وَمَنْ وَلِيُّهُ؟ فَقَالَ: «لَعَلَّ الَّذِينَ حَضَرُوهُ أَفْضَلُ مِنَ الَّذِينَ تَخَلَّفُوا عَنْهُ» قُلْتُ: وَمَنْ هُمْ؟ قَالَ: «حَضَرَهُ الَّذِينَ حَضَرُوا يُوسُفَ علیه السلام، مَلَائِكَةُ اللَّهِ وَرَحْمَتُهُ».<sup>۲</sup>

محتوا: یکی از واقفیه در نامه ای به امام رضا علیه السلام نوشت: ما از امام صادق چنین روایتی داریم که امام را فقط امام غسل می دهد و امام هم در

۱. الوافی ج ۳ ص ۶۶۵ - ۶۶۶

۲. مختصر البصائر ص ۷۶ - ۷۷ ح ۴۸

پاسخ نگاشتند این حق است. او پرسید چه کسی پدر شما را غسل داده و متولی امر ایشان بوده؟ امام فرمودند: شاید کسانی که نزد پدرم (برای غسل) حاضر بوده‌اند برتر از کسانی باشند که حاضر نبودند. او پرسید: آنها چه کسانی بوده‌اند؟ امام فرمودند: همانها که نزد یوسف حاضر شدند: ملائکه خدا و رحمت او.

بررسی: سند این حدیث مرسل است، ولی از نظر محتوا با اینکه امام رضا علیه السلام قانون غسل امام توسط امام را تایید می‌کنند، تلویحاً سه نکته دیگر را نیز بیان می‌نمایند:

اول اینکه: پیامبران هم مشمول این قاعده هستند چون استشهاد به غسل دادن حضرت یوسف علیه السلام می‌کنند و این می‌رساند که قاعده درباره حجت خداست چه پیامبر باشد و چه امام.

دوم اینکه: گاهی ممکن است از این قاعده استثناء شود و به جای حجت خدا، ملائکه امر غسل را به عهده بگیرند و این اشکالی به قاعده وارد نمی‌کند، زیرا آن در جایی جاری است که حجتی برای به عهده گرفتن غسل حضور داشته باشد و اگر نبود ملائکه این امر را به عهده می‌گیرند.

سوم اینکه: ظاهراً امام رضا علیه السلام در غسل دادن پدرشان امام کاظم علیه السلام شرکت نداشته‌اند و ملائکه این کار را به عهده گرفته‌اند.

اما هیچ یک از این سه نکته قابل اثبات نیست، زیرا:

اولاً کلام امام علیه السلام صریح نیست که ملائکه ای که نزد یوسف حاضر شدند برای غسل دادن وی آمدند بلکه ممکن است مراد امام ملائکه‌ای باشد



بررسی احادیث ۱۴۱

که در چاه آب پیش یوسف حاضر شدند تا او را دلداری دهند، همچنان که در حدیث شماره ۱۱ به این مطلب تصریح شده است، پس سخن اصلاً درباره غسل دادن حضرت یوسف نیست تا دو نکته اول ثابت شود.

ثانیاً در روایت قبلی، امام رضا علیه السلام تصریح می‌کنند که غسل پدرشان امام کاظم علیه السلام را خودشان انجام داده‌اند، لذا یا در اینجا تقیه کرده‌اند و پرده از طی الارض خود برداشته‌اند همچنان که عدم حضور خود را با شاید و «لَعَلَّ» بیان می‌کنند، و یا توریه نموده، به مساله‌ای غیر از پاسخ راوی پرداخته‌اند و آن حضور ملائکه و کمک ایشان هنگام غسل ائمه و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است که بعداً به احادیثش اشاره می‌کنیم.

نیز ممکن است مراد از رحمت که به همراه ملائکه در غسل امام کاظم علیه السلام حضور داشته: «مَلَائِكَةُ اللَّهِ وَرَحْمَتُهُ»، کنایه از شخص امام رضا علیه السلام باشد<sup>۱</sup> که در این صورت پاسخ این اشکال نیز روشن می‌شود که چطور امام علیه السلام ملائکه را افضل از ائمه معرفی کرده‌اند، زیرا مراد از حاضران، امام و ملائکه هستند و مراد از غائبان، غیر ایشان.

اینها همه به کنار، امام در ابتدای حدیث تصریح می‌کنند قانون غسل که از پدرانم شنیده‌ای حق و درست است پس چطور می‌شود در پایان، حضور خود را برای غسل پدر انکار نمایند؟

در اینجا نکته ظریفی وجود دارد و آن تشخیص مرجع ضمیر در

---

۱. إذ الرحمة إشارة إلى الإمام. بحار الأنوار ج ۲۷ ص ۲۸۹

«الَّذِينَ حَضَرُوهُ» است، زیرا آنچه تا به حال گفته شد همه بر این فرض بود که مرجع ضمیر، «أَبُوكَ» یعنی امام کاظم علیه السلام باشد، در حالی که هیچ بعید نیست مرجع ضمیر «مَنْ وَلِيَهُ» باشد که امام به جهت توریه، حضور خود را برای غسل پدر اینگونه در لفافه بیان کرده‌اند و طبق این برداشت معنای حدیث اینست: کسانی که نزد متولی غسل امام کاظم حاضر شدند برتر از غائبان هستند، اما نمی‌گویند متولی غسل چه کسی بوده است. و این موکد همان مطلبی است که چند سطر بالاتر بیان کردیم که امام در این بیان به مسأله‌ای غیر از پاسخ راوی پرداخته‌اند و آن حضور ملائکه و کمک ایشان هنگام غسل ائمه و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است.

حدیث یازدهم: «سَأَلْتُ الرَّضَا علیه السلام عَنِ الْإِمَامِ يُغَسَّلُهُ الْإِمَامُ قَالَ سُنَّةُ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ علیه السلام».<sup>۱</sup>

محتوا: راوی از حضرت رضا علیه السلام درباره قانون غسل امام توسط امام پرسید و ایشان با این بیان که این سنت موسی بن عمران است آن را تایید نمودند.

بررسی: در این روایت - به سند ضعیف - حضرت رضا علیه السلام قانون غسل امام توسط امام را پذیرفته‌اند اما آن را سنت موسی بن عمران معرفی می‌کنند که شمول این قاعده نسبت به انبیاء الهی بعد از موسی را می‌رساند. این در حالیست که حضرت موسی علیه السلام صدها سال پس از حضرت

۱. الکافی (ط - الإسلامية) ج ۱ ص ۳۸۵ ح ۲

بررسی احادیث ۱۴۳۱

یوسف علیه السلام بوده‌اند در حالی که روایت قبل، در ضمن قانون غسل، از حضرت یوسف علیه السلام سخن گفته بود، و همین موید سخن ما ذیل روایت قبل است که گفتیم آن روایت درباره غسل حضرت یوسف علیه السلام سخن نمی‌گوید، زیرا طبق تصریح این روایت، قانون غسل، سنت حضرت موسی به بعد بوده و ربطی به حضرت یوسف علیه السلام نداشته تا امام به کیفیت غسل ایشان استشهاد نماید.

بله از آنجا که حضرت یوسف علیه السلام در قرآن صدیق نامیده شده<sup>۱</sup>، مشمول روایت شماره ۲ می‌شود که تصریح می‌کرد صدیق فقط توسط صدیق غسل داده می‌شود، لکن باید توجه داشت حضرت یوسف علیه السلام توسط خدا صدیق نامیده نشده بلکه یار زندانش به وی خطاب صدیق کرده، آن هم نه به معنای معصوم بلکه به معنای کسی که خیلی راستگوست، چون قبلاً تاویل خوابش توسط یوسف علیه السلام را راست دیده بود، لذا در مقام پرسش از تاویل خواب پادشاه، وی را صدیق نامید، به معنای کسی که تاویل خوابش راست است، و دروغ و اشتباه نمی‌گوید. در نتیجه صدیق بودن او وی را مشمول قانون غسل در حدیث شماره ۲ نمی‌کند.

اما این جواب درباره دو نبی دیگر یعنی حضرت ادریس<sup>۲</sup> و ابراهیم علیه السلام<sup>۳</sup> که توسط خود خدا صدیق نامیده شده‌اند صحیح نیست، پس

---

۱. یوسف: ۴۶

۲. مریم: ۵۶

۳. مریم: ۴۱

۱۴۴۱ | قانون غسل امام

باید گفت ایشان مشمول حدیث شماره ۲ می‌شوند.

ولی با دقت بیشتر متوجه می‌شویم که صدیق در قرآن دارای سه اصطلاح است:

الف) صدیق به معنای پیامبر که ادريس و ابراهيم عليهما السلام به آن ملقب گشته‌اند؛

ب) صدیق به معنای امام که این آیه بر آن دلالت می‌کند: «فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ...»<sup>۱</sup> زیرا طبقه بعد از انبیاء را صدیقین قرار داده، در حالی که تنها طبقه بعد از انبیاء که دارای خصوصیت ذکر شدن هستند ائمه می‌باشند؛

ج) صدیق به معنای عبد صالح راستگو که یار زندان یوسف عليه السلام به او خطاب کرد<sup>۲</sup>، و بر حضرت مریم<sup>۳</sup> و ایمان آوردگان به خدا و پیامبران نیز اطلاق گشته است.<sup>۴</sup>

و با توجه به این معنای سوم شاید بتوان مضمون آن حدیث که صدیقان را سه نفر معرفی می‌کرد پذیرفت، به این بیان که مراد حدیث از صدیق، برترین عبد صالح خداوند است که تلازمی با عصمت ندارد، برای همین

۱. نساء: ۶۹

۲. یوسف: ۴۶

۳. «وَأُمَّهُ صِدِّيقَةٌ». مانده: ۷۵

۴. «وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصِّدِّيقُونَ وَالشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ». حدید: ۱۹

بررسی احادیث ۱۴۵۱

پیامبر ﷺ در ادامه می‌فرماید: «و علی افضل آنهاست» تا به عصمت و امامت ایشان تنبیه دهند.<sup>۱</sup>

اما از این اشکال که بگذریم، اشکال مهمتری در این روایت وجود دارد و آن اینکه غسل امام توسط امام سنت موسی بن عمران معرفی شده، در حالی که طبق روایت صحیح شیخ صدوق، اصلاً بشری برای غسل دادن موسی علیه السلام حاضر نبوده، پس منظور این روایت چیست؟

قبل از اینکه وارد منظور روایت بشویم، حدیث شیخ صدوق را متذکر می‌شویم: «(غاب موسی عن قومه) <sup>۲</sup> ثُمَّ مَرَّ (فِي غَيْبَتِهِ) <sup>۳</sup> بِرَجُلٍ وَهُوَ يَحْفِرُ قَبْرًا فَقَالَ لَهُ مُوسَى أَلَا أُعِينُكَ عَلَى حَفْرِ هَذَا الْقَبْرِ فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ بَلَى قَالَ فَأَعَانَهُ حَتَّى حَفَرَ الْقَبْرَ وَ لَحَدَ اللَّحْدَ فَأَرَادَ الرَّجُلُ أَنْ يَضْطَجِعَ فِي اللَّحْدِ لِيَنْظُرَ كَيْفَ هُوَ فَقَالَ لَهُ مُوسَى أَنَا اضْطَجِعْ فِيهِ فَاضْطَجَعَ مُوسَى فَرَأَى مَكَانَهُ مِنْ الْجَنَّةِ أَوْ قَالَ مَنْزِلَهُ مِنَ الْجَنَّةِ فَقَالَ يَا رَبِّ اقْبِضْني إِلَيْكَ فَقَبِضْ مَلِكُ الْمَوْتِ رُوحَهُ وَ دَفَنَهُ فِي الْقَبْرِ وَ سَوَى عَلَيْهِ التُّرَابَ قَالَ وَ كَانَ الَّذِي يَحْفِرُ الْقَبْرَ مَلِكُ الْمَوْتِ فِي صُورَةِ آدَمِيِّ فَلِذَلِكَ لَا يُعْرَفُ قَبْرُ مُوسَى عليه السلام (وَ كَانَ ذَلِكَ فِي النَّبِيِّ فَصَاحَ صَائِحٌ مِنَ السَّمَاءِ مَاتَ مُوسَى كَلِيمُ اللَّهِ وَ أَيُّ نَفْسٍ لَا تَمُوتُ) <sup>۴</sup>».<sup>۵</sup>

۱. عمدة عيون صحاح الأخبار في مناقب إمام الأبرار ص ۲۲۳ با کمی دخل و تصرف .

۲. از کمال الدین و امالی.

۳. از کمال الدین و امالی.

۴. از کمال الدین و امالی.

۵. علل الشرائع ج ۱ ص ۷۰ ح ۱. نیز کمال الدین و تمام النعمة ج ۱ ص ۱۵۳ ح ۱۷، الأمالی (للسدوق) ص ۲۳۲ ح ۲ به سندی دیگر که ضعیف است.

نیز در کافی آمده: «مَاتَ مُوسَى كَلِيمَ اللَّهِ ﷺ فِي التِّيهِ فَصَاحَ صَائِحٌ مِنَ السَّمَاءِ مَاتَ مُوسَى ﷺ وَ أَيُّ نَفْسٍ لَا تَمُوتُ»<sup>۱</sup>، و ظاهراً چون بشری هنگام فوت حضرت موسی ﷺ نبوده، تا فوتش را به بقیه خبر دهد، فوت او از آسمان ندا داده شده است، پس این روایت نیز می‌رساند حضرت موسی ﷺ توسط بشری غسل داده نشده است.<sup>۲</sup>

اما درباره مراد از سنت موسی در روایت مورد بحث چند احتمال

وجود دارد:

الف) مراد غسل هارون توسط موسی ﷺ در بیابان تیه است و همین سنت مستمری شد.<sup>۳</sup>

اما مشکل این برداشت اینست که حضرت موسی ﷺ وصی حضرت هارون ﷺ نبوده تا غسل او سنت شود بلکه هارون وصی موسی ﷺ بوده که در زمان حیات وی فوت نموده، پس این چگونه به عنوان سنتی برای غسل امام توسط امام معرفی شده است؟ مگر اینکه گفته شود نگاه روایت معطوف به اصل غسل حجت توسط حجت است و همین را بر ائمه شیعه نیز تطبیق می‌دهد و کاری ندارد که غاسل وصی مغسول بوده یا مغسول وصی غاسل.

۱. الکافی (ط - الإسلامية) ج ۳ ص ۱۱۱ - ۱۱۲ ح ۴

۲. گاهی گفته می‌شود که شاید مراد از عدم حضور کسی، عدم حضور مردم باشد پس این منافاتی با حضور یوشع به طور خصوصی ندارد. اما اگر به متن حدیث توجه شود که می‌گوید: ملک الموت ایشان را دفن و خاک را بر ایشان صاف کرد، کاملاً روشن است که کسی در مراسم ایشان حضور نداشته است.

۳. شرح الکافی ج ۶ ص ۳۵۳، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول ج ۴ ص ۲۵۷

بررسی احادیث ۱۴۷۱

ب) مراد حضور غیبی وصی حضرت موسی یعنی حضرت یوشع بن نون علیه السلام ، بعد از وفات موسی و غسل دادن اوست<sup>۱</sup> . لذا امام رضا علیه السلام می‌خواهند بفرمایند من نیز به مانند سنت موسی بر سر جنازه پدرم حاضر شدم و ایشان را غسل دادم پس امام بعد از او هستم.

اما مشکل این برداشت آنست که در هیچ نقلی حضور یوشع بر جنازه موسی علیه السلام و غسل دادن او وارد نشده، بلکه صریح روایت شیخ صدوق عدم حضور هیچ بشری نزد اوست و بیان می‌کند که به همین خاطر کسی از محل قبر حضرت موسی علیه السلام خبر ندارد. غیر از اینکه بر فرض قبول، این سنت یوشع می‌شود نه سنت موسی علیه السلام .<sup>۲</sup>

لکن از آن طرف روایت دیگری - به سند ضعیف - نقل کرده که همه انبیا را اوصیائشان غسل داده اند: «يُغْسَلُ كُلُّ نَبِيٍّ وَصِيَّهُ»<sup>۳</sup> ، و این موید حضور حضرت یوشع برای غسل حضرت موسی علیه السلام است، ولی روایت

---

۱. بحار الأنوار ج ۲۷ ص ۲۹۱

۲. گاهی گفته می‌شود: سنتی که موسی قرار داده بعد فوتش باید اجرا شود نه در زمان حیاتش که غسل معنی ندارد، پس عمل به سنتی که موسی قرار داده توسط وصیش تحقق پیدا می‌کند. و به عبارت دیگر: سنت حضرت موسی این بوده که وصیت نموده یوشع ایشان را غسل دهد لذا اینکه این غسل سنت موسی تلقی شده منافاتی ندارد که بعد از وفات او و توسط وصی ایشان انجام شود. اما این صرف ادعاست و هیچ روایتی نداریم که حضرت موسی به حضرت یوشع علیه السلام درباره غسل وصیت کرده باشند لذا حتی اگر بپذیریم که حضرت یوشع حضرت موسی علیه السلام را غسل داده اند، باز این عمل سنت موسی علیه السلام تلقی نمی‌شود. بمانند که درباره انجام شدن غسل توسط حضرت یوشع علیه السلام نیز هیچ روایتی وجود ندارد.

۳. کمال الدین و تمام النعمة ج ۱ ص ۲۷

صدوق تصریح می‌کند که چون کسی هنگام وفات حضرت موسی علیه السلام حاضر نبود قبرش مخفی ماند، و این با حضور حضرت یوشع علیه السلام نا سازگار است، همچنان که با سنت بودن موسی نیز نمی‌سازد چون می‌گوید این غسل، سنت همه انبیاء علیهم السلام بوده است.

ج) مراد اینست که ملائکه موسی را غسل دادند که معصوم بودند لذا امام را هم باید معصوم غسل دهد.<sup>۱</sup>

اشکال این برداشت اینست که در این صورت نیازی نبوده امام رضا علیه السلام با طی الارض بر جنازه پدر حاضر شده، ایشان را غسل دهند، زیرا قطعاً ملائکه‌ی معصوم نزد ایشان حاضر بوده اند، در حالی که حضور امام رضا علیه السلام جهت غسل پدر در روایات متعدد ذکر شده است، همچنان که حضور اعجاز گونه امام جواد علیه السلام برای غسل پدرشان مسلم است.

د) از آنجا که طبق مشهور و نیز ظاهر حدیث شیخ صدوق، حضرت موسی علیه السلام را ملائکه غسل داده‌اند<sup>۲</sup>، ظاهراً امام رضا علیه السلام می‌خواهند بگویند نیازی نبوده که من بدن پدرم را غسل دهم، همچنان که در روایت بعدی، امام علیه السلام تلویحاً این نکته را تأیید نموده اند.

ولی این برداشت غیر از اشکالات مورد قبل، این اشکال را دارد که حضرت برای اثبات قانون غسل امام توسط امام به این سنت استناد جسته‌اند

۱. بحار الأنوار ج ۲۷ ص ۲۹۱، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول ج ۴ ص ۲۵۸

۲. مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول ج ۴ ص ۲۵۷



بررسی احادیث ۱۴۹۱

پس چطور می‌شود مرادشان این باشد که لازم نبوده من ایشان را غسل بدهم؟ و تازه در حدیث شماره هشت تصریح نمودند که من پدرم را غسل داده‌ام.

ه) مراد امام اینست که قانون غسل امام توسط امام صحیح است ولی به شرطی که مانعی در مورد آن وجود نداشته باشد، اما اگر مانعی وجود داشت این قاعده تخصیص می‌خورد همچنان که در مورد موسی بن عمران این قاعده تخصیص خورد و وصی او برای غسلش حضور نداشت.

این معنا دقیقاً در روایت هرثمه مطابق نقل دلایل الامامه ذکر شده است، زیرا وقتی مامون به او اعتراض کرد که طبق عقیده شما امام را امام باید غسل دهد، هرثمه گفت: این در صورتی است که ظالمی به زور متصدی غسل امام نشود و امام رضا نیز اگر در مدینه به حال خود رها شده بود پسرش امام جواد علناً متصدی غسل او می‌شد: «فَقُلْتُ لَهُ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ: إِنَّا نَقُولُ إِنَّ الْإِمَامَ يَجِبُ أَنْ يَغْسِلَهُ إِمَامٌ مِثْلُهُ، فَإِنْ تَعَدَّى مُتَعَدِّ فَغَسَلَ الْإِمَامَ لَمْ تَبْطُلْ إِمَامَةُ الْإِمَامِ لِتَعَدِّي غَاسِلِهِ، وَلَا بَطَلَتْ إِمَامَةُ الْإِمَامِ الَّذِي بَعْدَهُ بِأَنْ غُلِبَ عَلَى غُسْلِ أَبِيهِ؛ وَلَوْ تَرَكَ أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَا بِالْمَدِينَةِ لَغَسَلَهُ ابْنُهُ مُحَمَّدٌ ظَاهِرًا».<sup>۱</sup>

لکن این برداشت نیز اشکال دارد و آن اینکه امام عَلَيْهِ السَّلَامُ جمله: «سُنَّةُ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ» را جهت تایید قانون غسل امام توسط امام فرموده‌اند

---

۱. دلایل الإمامة (ط - الحديثة) ص ۳۵۴

نه تخصیص این قاعده، و اینکه بگوییم با یک جمله اراده اثبات هر دو مطلب را داشته‌اند انصافاً از فهم عرفی به دور است. غیر از اینکه در همان روایت هرثمه تصریح شده که تصدی ظالم نسبت به غسل امام، تنها جلوی غسل علنی را می‌گیرد و الا باز هم این امام بعدی است که در خفا، متصدی غسل امام قبل می‌شود: «وَلَا يَغْسِلُهُ الْاِثْنَانُ اَيْضًا اِلَّا هُوَ مِنْ حَيْثُ يَخْفَى».

(و مراد اینست که یوشع بن نون، موسی عَلَيْهِ السَّلَام را در زمان حیات غسل داده سپس موسی غائب شده و در تیه فوت نموده است، زیرا احدی با موسی در بیابان تیه نبوده که او را غسل دهد<sup>۱</sup>. و امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام نیز می‌خواهند بگویند خدشه‌ای به امامت من وارد نمی‌شود زیرا من همانند موسی بن عمران پدرم را در زمان حیاتش غسل داده‌ام پس امام می‌باشم؛ همچنان که قبلاً به حدیث آن اشاره کردیم.

اشکال این برداشت اینست که اولاً در مورد غسل حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام در زمان حیاتش هیچ نقلی وجود ندارد پس چطور می‌توان گفت منظور امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام از این کلام مجمل، اینست؟ ثانیاً استناد به سنت موسی بن عمران عَلَيْهِ السَّلَام در کلام امام عَلَيْهِ السَّلَام جهت تأیید قانون غسل امام صورت گرفته و تا سنت موسی بن عمران نزد راوی معلوم نباشد استناد به آن معنایی ندارد، لذا باید معنایی از این جمله برداشت کرد که با ظاهر کلام بسازد.

اما از طرفی یک اشکال مهم در اینجا وجود دارد و آن اینکه در روایت

بررسی احادیث ۱۵۱

صحیح صدوق، هیچ سخنی از غسل دادن موسی به میان نیامده، بلکه تصریح می‌کند وقتی ملک الموت روح موسی را گرفت وی را در قبر دفن کرد و خاکش را صاف نمود: «فَقَبَضَ مَلَكُ الْمَوْتِ رُوحَهُ وَ دَفَنَهُ فِي الْقَبْرِ وَ سَوَّى عَلَيْهِ التُّرَابَ» و قطعاً اگر ملائکه ایشان را غسل داده بودند اولاً در این حدیث از ذکر آن فرو گذار نمی‌کرد و این موضوع را می‌گفت، و ثانیاً حضرت موسی علیه السلام به غسل الملائکه معروف می‌شد، همچنان که حنظله‌ی شهید به همین لقب مشهور گشت؛ پس بالاخره چه کسی حضرت موسی علیه السلام را غسل داده است؟ راهی جز یکی از این دو تاویل نداریم که بگویم یا توسط ملائکه غسل داده شده و یا توسط یوشع در زمان حیات.<sup>۱</sup>

به نظر من، ما برای فهم معنایی که امام رضا علیه السلام اراده کرده‌اند باید به این نکته توجه کنیم که سوال از قانون غسل امام توسط امام از جانب فرقه واقفیه جهت ابطال امامت ایشان مطرح می‌شده، لذا جوابی که امام علیه السلام می‌دهند نیز قطعاً باید در راستای رفع همین شبهه باشد. خوب فرقه واقفیه دو سوال از ایشان داشتند: آیا قانون غسل امام را قبول دارید؟ اگر قبول دارید شما که امام کاظم علیه السلام را غسل نداده‌اید پس چگونه ادعا می‌کنید امام هستید؟ حال آیا امام علیه السلام در این حدیث با جمله‌ی: «سُنَّةُ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ علیه السلام» می‌خواهند به هر دو سوال پاسخ دهند یا اینکه سوال اول را با

---

۱. بعد از وفات را ذکر نکردیم چون کوچکترین شاهی ندارد، بلکه شواهد بر ضد آنست همانگونه که در متن گذشت.

سکوت تقریر کرده‌اند و این جمله جواب سوال دوم است؟ تا این قضیه روشن نشود نمی‌توان با اطمینان گفت مراد حضرت چه بوده است؟ اما به هر حال، قانون غسل در این روایت درباره ائمه علیهم‌السلام بدون ابهام تایید شده است، هر چند درباره انبیای بعد از حضرت موسی علیه‌السلام دارای ابهام است چون مراد امام علیه‌السلام روشن نیست.

حدیث دوازدهم: «قُلْتُ لِلرِّضَا علیه‌السلام إِنَّ الْإِمَامَ لَا يُغَسَّلُهُ إِلَّا الْإِمَامُ فَقَالَ أَمَا تَدْرُونَ مَنْ حَضَرَ لَعَلَّهُ<sup>۱</sup> قَدْ حَضَرَ خَيْرٌ مِمَّنْ غَابَ عَنْهُ الَّذِينَ حَضَرُوا يُوسُفَ فِي الْجُبِّ حِينَ غَابَ عَنْهُ أَبَوَاهُ وَ أَهْلُ بَيْتِهِ»<sup>۲</sup>.

محتوا: راوی به امام رضا علیه‌السلام می‌گوید: امام را فقط امام غسل می‌دهد، و حضرت پاسخ دادند: شما چه می‌دانید چه کسی (برای غسل پدرم: نسخه بدل) حاضر بوده؟ کسی که برای او حاضر شده بهتر از کسی است که غائب بوده، همان کسانی که در چاه نزد یوسف حاضر شدند در زمانی که پدر و مادر و خانواده اش از او غائب بودند.

بررسی: در این حدیث - به سند ضعیف - راوی از امام رضا علیه‌السلام درباره قانون غسل امام می‌پرسد و ظاهراً همان اشکال معروف در ذهنش بوده

۱. هكذا في «ج، ش، ض، ط، ف، بج، بد، بر، بس، بش، بع، بف، بل، بو، جح، جس، جف، جل، جم، جو، جه» والوافي وشرح المازندراني. وفي بعض النسخ والمطبوع والمرأة: «لغسله» وفي البحار «ليغسله». به نظر ما نسخه دوم درست است زیرا لفظ «لعل» که برای تردید به کار می‌رود هیچ تناسبی با لفظ «قد» ندارد که بعد از آن آمده و برای تحقیق و تأکید می‌آید.

۲. الكافي (ط - الإسلامية) ج ۱ ص ۳۸۵ ح ۳

بررسی احادیث ۱۵۳۱

که اگر شما امام هستید چطور پدر خود را غسل نداده اید؟  
که امام جواب می دهند: آنها که برای غسل امام کاظم علیه السلام حاضر شدند بهتر از کسانی هستند که غائب بودند و آن حاضران همان هایی هستند که در چاه نزد یوسف حاضر شدند. و از آنجا که حاضران در چاه یوسف، جبرئیل و دیگر ملائکه بودند، می رساند غسل امام کاظم علیه السلام توسط ملائکه انجام شده است.

ولی این با قانون غسل امام توسط امام و نیز روایاتی که از حضور اعجاز آمیز امام رضا علیه السلام برای غسل پدرشان سخن می گوید سازگاری ندارد. علامه مجلسی در جواب از این اشکال می فرماید: این کلام از روی تقیه گفته شده، حال یا تقیه از اهل سنت به گواهی اینکه راوی آن (طلحه) عامی مذهب بوده، و یا بخاطر تقیه از شیعیانی که قدرت فهم حضور اعجاز آمیز ایشان را نداشته اند. غیر از اینکه حضور ملائکه برای غسل دادن، منافاتی با حضور امام علیه السلام ندارد.<sup>۱</sup>

و شبیه به این سخن از محقق مازندرانی و فیض کاشانی نیز صادر شده است.<sup>۲</sup>

ممکن است اشکال شود: از کلام امام چنین بر می آید که برای غسل

---

۱. يظهر منه أن غاسله عليه السلام كان جبرئيل مع الملائكة، لما ورد أنه الذي حضر يوسف في الجب، و لعله محمول علي التقية إما من أهل السنة بقرينة أن الراوي عامي، أو من نواقص العقول من الشيعة. مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول ج ٤ ص ٢٥٨، بحار الأنوار ج ٢٧ ص ٢٨٩ و ج ٤٨ ص ٢٤٧

۲. شرح الكافي ج ٦ ص ٣٥٤، الوافي ج ٣ ص ٦٦٦

حضور نداشته‌اند زیرا می‌گویند آنها که حاضر شدند بهتر از آنهایی هستند که غائب بودند سپس مشخص می‌کنند که حاضران ملائکه بوده‌اند، پس خودشان حضور نداشتند.

اما طبق روایات دیگر، امام رضا علیه السلام برای غسل حاضر بوده‌اند لذا منظورشان از کسی که حاضر بوده شخص خودشان است<sup>۱</sup> و اینکه ملائکه را ذکر کرده‌اند از این جهت بوده که آنها در غسل همه ائمه علیهم السلام شرکت داشته‌اند تا به امام در امر غسل دادن کمک کنند، همچنان که در مورد غسل پیامبر و امام رضا علیه السلام به حضور ملائکه تصریح شده و در روایت بصائر الدرجات در مورد همه ائمه علیهم السلام بیان گشته است:

«لَمَّا قَبِضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هَبَطَ جَبْرَائِيلُ وَمَعَهُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ الَّذِي كَانُوا يَهْبِطُونَ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ قَالَ فَفُتِحَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام بَصَرُهُ فَرَأَاهُمْ فِي مُنْتَهَى السَّمَاوَاتِ إِلَى الْأَرْضِ يُغْسَلُونَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَعَهُ وَ يُصَلُّونَ مَعَهُ عَلَيْهِ وَ يَحْفَرُونَ لَهُ وَاللَّهِ مَا حَفَرَ لَهُ غَيْرُهُمْ حَتَّى إِذَا وُضِعَ فِي قَبْرِهِ نَزَلُوا مَعَ مَنْ نَزَلَ فَوَضَعُوهُ فَتَكَلَّمُوا وَ فُتِحَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام سَمْعُهُ فَسَمِعَهُ يُوصِيهِمْ بِهِ فَبَكَى وَ سَمِعَهُمْ يَقُولُونَ لَا نَأْلُوهُ جُهْدًا وَ إِنَّمَا هُوَ صَاحِبُنَا بَعْدَكَ إِلَّا أَنَّهُ لَيْسَ يُعَايِنُنَا بِبَصَرِهِ بَعْدَ مَرَّتِنَا هَذِهِ حَتَّى إِذَا مَاتَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام رَأَى الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ مِثْلَ ذَلِكَ الَّذِي رَأَى وَ رَأَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَيْضًا يُعِينُ الْمَلَائِكَةَ مِثْلَ الَّذِي صَنَعُوهُ بِالنَّبِيِّ حَتَّى إِذَا مَاتَ الْحَسَنُ رَأَى مِنْهُ الْحُسَيْنَ مِثْلَ ذَلِكَ وَ رَأَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ

بررسی احادیث ۱۵۵

عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ يُعِينَانِ الْمَلَائِكَةَ حَتَّى إِذَا مَاتَ الْحُسَيْنُ رَأَى عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ مِنْهُ  
مِثْلَ ذَلِكَ وَرَأَى النَّبِيَّ ﷺ وَعَلِيًّا وَ الْحَسَنَ يُعِينُونَ الْمَلَائِكَةَ حَتَّى إِذَا مَاتَ  
عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ رَأَى مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِثْلَ ذَلِكَ وَرَأَى النَّبِيَّ ﷺ وَ  
عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُعِينُونَ الْمَلَائِكَةَ حَتَّى إِذَا مَاتَ مُحَمَّدُ  
بْنُ عَلِيٍّ رَأَى جَعْفَرُ مِثْلَ ذَلِكَ وَرَأَى النَّبِيَّ ﷺ وَعَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ الْحَسَنَ وَ  
الْحُسَيْنَ وَ عَلِيٍّ بِنِ الْحُسَيْنِ يُعِينُونَ الْمَلَائِكَةَ حَتَّى إِذَا مَاتَ جَعْفَرُ رَأَى مُوسَى  
مِنْهُ مِثْلَ ذَلِكَ هَكَذَا يَجْرِي إِلَى آخِرِنَا»<sup>۱</sup>

نکته مهم در روایت بصائر اینست که غسل همه امامان توسط امام  
قبلی تا امام کاظم علیه السلام را بیان نموده است. البته از آنجا که ظاهراً ناقل این  
حدیث امام صادق علیه السلام می باشند نسبت به آخر روایت این اشکال پیش  
می آید که چطور از ماجرای غسل داده شدن خودشان توسط امام  
کاظم علیه السلام سخن گفته اند؟

علامه مجلسی در این باره سه احتمال می دهد:

الف) جمله اخیر از خود راوی است که بعد از وفات امام صادق علیه السلام  
توضیح داده که در غسل ایشان نیز ملائکه حضور داشتند؛  
ب) کلام از خود امام صادق علیه السلام است که دارند از آینده خبر می دهند  
ولی کلام ایشان بد نقل شده و مثلاً نسخه درست این گونه بوده: «حتی إذا  
يموت جعفر يرى موسى منه مثل ذلك»؛

۱. بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم ص ۲۲۵ ح ۱۷

ج) این حدیث از امامان بعدی بوده ولی اشتباهاً به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است.<sup>۱</sup>

با این بیان، پاسخ این اشکال هم داده می‌شود که چطور امام رضا علیه السلام ملائکه را بهتر از ائمه دانسته‌اند، زیرا مراد امام از «حاضران» شخص خودشان هستند که از غائبان در غسل بهتر می‌باشند، مخصوصاً که ایشان تصریح نکرده‌اند ملائکه امام کاظم علیه السلام را غسل داده‌اند بلکه فقط به حضور آنها اذعان نموده‌اند: «أَمَا تَدْرُونَ مَنْ حَضَرَ لَعَلَّهُ قَدْ حَضَرَ...»<sup>۲</sup>.

و این مطلب منافاتی با روایاتی ندارد که از غسل امام کاظم علیه السلام توسط دستگاه حکومت سخن می‌گویند، زیرا اینگونه روایات ناظر به غسل ظاهری هستند، از جمله:

«قُلْنَا نَعَمْ نَشْهَدُ أَنَّهُ مُوسَى بْنُ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ... وَ لَا نَرَاهُ إِلَّا مَيِّتًا قَالَتْ فَلَا تَبْرَحُوا حَتَّى تُغَسِّلُوهُ وَ تُكْفِنُوهُ قَالَ فَلَمْ تَبْرَحْ حَتَّى غُسِّلَ وَ كُفِّنَ وَ حُمِلَ إِلَى الْمُصَلَّى»<sup>۳</sup>.

۱. بحار الأنوار ج ۲۷ ص ۲۹۰

۲. أراد بمن غاب عنه ذاته المقدس وبالذین جبرئیل و الملائكة المقربین علیهم السلام و ربما يتوهم أن هذا مناف لما سبق من أن الامام لا يغسله الا الامام و أنه علیه السلام قد غسله و يجاب تارة بحمل هذا على التقية لان طلحة بتری عامی و تارة بتخصیص ما سبق بأن الامام لا بد ان يغسله الامام ان لم يغسله من هو خیر منه و فيه أن التخصیص لا يدفع المنافاة بالكلية اذ قد صرح سابقاً بأنه علیه السلام غسله الامام و الحق أنه لا ینافی ما سبق أصلاً اذ لم یصرح فيه أنه علیه السلام لم يغسله و أن الملائكة غسلوه بل قال أن الملائكة حضروه و هو حق لا ریب فيه غاية ما فی الباب أنه لم یذكر الغاسل صریحاً. شرح الکافی ج ۶ ص ۳۵۴

۳. عیون أخبار الرضا علیه السلام ج ۱ ص ۹۸ - ۹۹ ح ۳



بررسی احادیث ۱۵۷۱

«أَقَامَ الْمُنَادِينَ يُنَادَى أَلَا وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَرَى الطَّيِّبَ بْنَ الطَّيِّبِ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عليه السلام فَلْيَخْرُجْ وَ حَضَرَ الخَلْقَ وَ غَسَّلَ وَ حَنَظَّ»<sup>۱</sup>.

«أَقَامَ الْمُنَادِينَ يُنَادُونَ أَلَا مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى الطَّيِّبِ بْنِ الطَّيِّبِ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ فَلْيَخْرُجْ وَ حَضَرَ الخَلْقَ وَ غَسَّلَهُ وَ حَنَظَّهُ بِحَنُوطٍ»<sup>۲</sup>.

«رَوَى أَنَّهُ عليه السلام لَمَّا حَضَرَتْهُ الوَفَاءَةُ سَأَلَ السُّنْدِيَّ بْنَ شَاهَكَ أَنْ يَحْضُرَهُ مَوْلَى لَهُ مَدِينًا يَنْزِلُ عِنْدَ دَارِ العَبَّاسِ بْنِ مُحَمَّدٍ فِي مَشْرَعَةِ القَصَبِ لِيَتَوَلَّى غُسْلَهُ وَ تَكْفِينَهُ فَفَعَلَ ذَلِكَ ... وَ قَالَ ... أُرِيدُ أَنْ يَتَوَلَّى غُسْلِي وَ جِهَازِي مَوْلَايَ فَلَانَ فَتَوَلَّى ذَلِكَ مِنْهُ»<sup>۳</sup>.

حدیث سیزدهم: «لَا يُوصَى إِلَى أَحَدٍ مِنَّا حَتَّى يَأْتِي بِخَبْرِهِ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَ جَدِّي عَلِيٌّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ ... فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله ... فَإِنَّكَ مُتَّقِلٌ عَنْهُمْ وَ مُجَاوِرٌ غَيْرُهُمْ فَإِذَا أَرَدْتَ فَادْعُ عَلِيًّا فَلْيَغْسِلْكَ وَ لِيُكْفِنَكَ فَإِنَّهُ طَهَّرَ لَكَ وَ لَا يَسْتَقِيمُ إِلَّا ذَلِكَ وَ ذَلِكَ سُنَّةٌ قَدْ مَضَتْ فَاضْطَجِعْ بَيْنَ يَدَيْهِ وَ صَفَّ إِخْوَتَهُ خَلْفَهُ وَ عُمُومَتَهُ وَ مَرَّةً فَلْيُكَبِّرْ عَلَيْكَ تِسْعًا فَإِنَّهُ قَدْ اسْتَقَامَتْ وَصِيَّتُهُ وَ وَلِيِّكَ وَ أَنْتَ حَيٌّ ثُمَّ اجْمَعْ لَهُ وَ لَدَيْكَ مِنْ بَعْدِهِمْ فَأَشْهَدْ عَلَيْهِمْ»<sup>۴</sup>.

محتوا: در این روایت تصریح شده که چون امام کاظم عليه السلام قرار بود به بغداد تبعید شوند پیامبر را در بیداری دیدند و ایشان به امام کاظم عليه السلام

۱. عیون أخبار الرضا عليه السلام ج ۱ ص ۱۰۰

۲. کمال الدین و تمام النعمة ج ۱ ص ۳۹

۳. الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد ج ۲ ص ۲۴۳

۴. الکافی (ط - الإسلامية) ج ۱ ص ۳۱۳ - ۳۱۶ ح ۱۴

دستور دادند که به فرزندت رضا دستور بده تو را در زمان حیات غسل میت دهد و کفن نموده، نماز بر تو بخواند و دستور بده که برادرانش و عموهایش در این نماز به وی اقتدا کنند که این غسل برای تو کفایت می‌کند و این قانون غسل سنتی است که در گذشتگان تو رعایت شده است. و در اواسط حدیث تصریح شده که چون امام رضا علیه السلام وصی امام کاظم علیه السلام و امام بعدی بوده‌اند متولی غسل پدر گشته‌اند، اما مشخص نمی‌کند که این سنت به عنوان مقام امامت جاری بوده یا مقام وصایت یا هر دو.

بررسی: سند حدیث، ضعیف و مجهول است اما از نظر محتوا چون غسل میت در زمان حیات به صورت عادی شرعیت ندارد، قطعاً این غسل از احکام اختصاصی ائمه علیهم السلام بوده است. ولی به هر حال اهمیت رعایت این قانون را می‌رساند که اگر شرایط غسل ظاهری در زمان وفات فراهم نبود، قبل از آن، هنگامی که شرایط غسل ظاهری فراهم باشد این غسل توسط امام بعدی انجام می‌گیرد.

اما مشکل اینست که امام رضا علیه السلام نیز شرایط غسل ظاهری توسط امام جواد علیه السلام را نداشتند پس باید ایشان هم در زمان حیات غسل داده می‌شدند در حالی که چنین چیزی درباره امام جواد علیه السلام نقل نشده است. ولی می‌توان پاسخ داد که چون امام رضا علیه السلام پسری به غیر از امام جواد علیه السلام نداشته‌اند امامت ایشان محرز بوده و نیازی به غسل ظاهری نبوده است.

بررسی احادیث ۱۵۹۱

همچنان که خود امام جواد علیه السلام به سند صحیح<sup>۱</sup> می فرمایند: در مورد امامت من شکی نیست چون پدرم پسری غیر از من ندارد: «اَزْتَفَعُ الشَّكُّ مَا لِأَبِي غَيْرِي»<sup>۲</sup>.

اشکال دیگری در اینجا به ذهن می رسد و آن اینکه اگر غسل ظاهری در زمان حیات کفایت می کرده: «فَإِنَّهُ طَهَّرَ لَكَ»، چرا امام رضا علیه السلام به اعجاز در بغداد حاضر شده و پدر را غسل داده اند؟ ولی به هر حال این حدیث کلیت قانون غسل را تأیید می نماید.

حدیث چهاردهم: «... فَإِذَا اسْتَقَرَّتِ الْمَعْرِفَةُ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ أَنَّهُ الْحُسَيْنُ علیه السلام جَاءَ الْحُجَّةَ الْمَوْتُ فَيَكُونُ الَّذِي يُغَسَّلُهُ وَيَكْفِنُهُ وَيَحْنُطُهُ وَ يُنَحِّدُهُ فِي حُفْرَتِهِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ علیه السلام وَلَا يَلِي الْوَصِيَّ إِلَّا الْوَصِيُّ»<sup>۳</sup>.

محتوا: در این روایت تصریح شده امام حسین علیه السلام که در زمان حکومت حجت قائم رجعت می کنند ایشان را بعد از وفات غسل داده و کارهای کفن و دفن او را انجام می دهند زیرا فقط وصی متولی غسل وصی می شود. و مرحوم حر عاملی تصریح می کند: روایات رجعت امام حسین علیه السلام برای غسل حضرت مهدی زیاد است: «الاحادیث الكثيرة الواردة في الإخبار برجعة الحسين ليغسل المهدي علیه السلام»<sup>۴</sup>.

۱. مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول ج ۳ ص ۳۷۴

۲. الكافي (ط - الإسلامية) ج ۱ ص ۳۲۰ ح ۳

۳. الكافي (ط - الإسلامية) ج ۸ ص ۲۰۶ ح ۲۵۰، تفسير العياشي ج ۲ ص ۲۸۱ ح ۲۰

۴. الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة ص ۳۰۶

بررسی: عموم راویان این حدیث ضعیف هستند، اما از نظر محتوا دارای چند مطلب است: اول اینکه امام حسین علیه السلام رجعت کرده و حجت بعد از قائم می‌باشند، دوم اینکه غسل و کفن و دفن قائم را ایشان متولی می‌شوند، و سوم اینکه علت این غسل را قانون غسل می‌داند ولی این قانون را فقط درباره اوصیاء بیان نموده، و نسبت به دیگر معصومین - مثل حضرت فاطمه و حضرت مریم علیهما السلام - نفیاً و اثباتاً نظری نمی‌دهد.

و هر سه مطلب در روایات دیگر نیز آمده است، از جمله:

مطلب اول: از امام پرسیدند اولین کسی که از قبر خارج می‌شود کیست؟ فرمودند: حسین که پشت سر قائم خارج می‌شود: «قِيلَ لَهُ: مَنْ أَوَّلُ مَنْ يَخْرُجُ؟ قَالَ: الْحُسَيْنُ عليه السلام، يَخْرُجُ عَلَى أَثَرِ الْقَائِمِ عليه السلام».<sup>۱</sup>

مطلب دوم: حسین می‌آید و قائم انگشتر را به او می‌دهد و حسین است که متولی غسل قائم و کفن و دفن وی می‌شود: «وَيُقْبَلُ الْحُسَيْنُ عليه السلام ... فَيَدْفَعُ إِلَيْهِ الْقَائِمُ عليه السلام الْحَاتَمَ<sup>۲</sup>، فَيَكُونُ الْحُسَيْنُ عليه السلام هُوَ الَّذِي يَلِي غُسْلَهُ وَ كَفْنَهُ وَ حَنْوَطَهُ (و يُوَارِي بِهِ فِي حُفْرَتِهِ).<sup>۳</sup>

و مطلب سوم نیز که در روایت دیگری آمده بود.

بله برخی یاران احمد بصری می‌گویند: ما قبول داریم امام حسین رجعت نموده و بدن حجت قائم را غسل می‌دهد اما مراد از قائم در این

۱. مختصر البصائر ص ۱۶۵ ح ۳۹، منتخب الأنوار المضية ص ۲۰۱

۲. في نسخة «س» زيادة: فيلقاه الموت.

۳. مختصر البصائر ص ۱۶۵-۱۶۶، منتخب الأنوار المضية ص ۲۰۱، سرور أهل الإيمان ص ۷۹

بررسی احادیث ۱۶۱

روایات، قائم و مهدی دوازدهم است نه امام دوازدهم. و تنها دلیل شان حدیثی از امام صادق علیه السلام است که فرموده اند: امام نیست مگر اینکه برای او باز مانده ای باشد الا امامی که حسین بر او رجعت می کند که باز مانده ای ندارد: «لَا يَكُونُ الْإِمَامُ إِلَّا وَ لَهُ عَقَبٌ إِلَّا الْإِمَامُ الَّذِي يَخْرُجُ عَلَيْهِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ علیه السلام فَإِنَّهُ لَا عَقَبَ لَهُ»<sup>۱</sup>، و از آنجا که در روایات دیگر گفته شده که امام دوازدهم فرزند دارد پس منظور این حدیث از آن امام، مهدی دوازدهم می باشد.

این در حالیست که آنها یادشان رفته احمد بصری اصلاً رجعت به دنیا را قبول ندارد که بحث غسل مهدی دوازدهم مطرح شود بلکه وی قائل به رجعت آسمانی است. همچنان که در این روایت تصریح شده که امام حسین وصی حجت هستند و این هرگز معقول نیست که امام عظیم الشانی مثل حسین علیه السلام وصی مهدی دوازدهم باشند که به اعتراف پیروان احمد بصری مقامش بسی پایین تر از ائمه دوازده گانه است.

اما غیر از این دو اشکال، اشکالات متعدد دیگری به سخن آنها وارد است، از جمله:

اولاً طبق متن وصیتی که احمد بصری به آن استناد می کند، مهدی های دوازده گانه و از جمله مهدی اول امام نیستند - چون گفته دوازده امام سپس دوازده مهدی - پس نمی تواند امام دوازدهم علیه السلام را غسل دهد، در نتیجه آن

۱۶۲۱ قانون غسل امام

کسی که امام حسین علیه السلام غسلش می دهند امام دوازدهم علیه السلام است نه مهدی دوازدهم.

ممکن است پیروان احمد بگویند: بر فرض که مهدی اول امام اصطلاحی نباشد اما طبق حدیث وصیت، وصی که هست و روایت مورد بحث هم می گوید وصی را وصی غسل می دهد پس هیچ اشکالی ندارد که امام دوازدهم را مهدی اول غسل دهد.

غافل از اینکه در نسخه کتاب تأویل الآیات تعبیر «وصی مثله» دارد: «وَلَا يَلِي الْوَصِيَّ إِلَّا الْوَصِيُّ مِثْلَهُ»<sup>۱</sup> همچنان که در حدیث ۳، ۴ و ۷ نیز به همین تعبیر تصریح شده بود، و طبق عقیده پیروان احمد بصری، مهدی اول مقامش از ائمه دوازده گانه پایین تر است نه مثل آنها، پس مهدی اول نمی تواند بدن امام دوازدهم را غسل دهد.

ثانیاً در حدیث وصیت، معلوم نیست ضمیر در فقره «فَلْيُسَلِّمْهَا إِلَى ابْنِهِ أَوْلِ الْمُقَرَّبِينَ»<sup>۲</sup> به خلافت می خورد یا به وصایت، لذا به خاطر ابهامی که دارد، وصایت مهدی اول را هم نمی رساند.

غیر از اینکه طبق روایات متعدد، عدد اوصیای پیامبر صلی الله علیه و آله منحصر در دوازده نفر است که همان ائمه دوازده گانه می باشند، از جمله این مضمون که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

۱. تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة ص ۲۷۲

۲. الغيبة للطوسی ص ۱۵۱

بررسی احادیث ۱۶۳۱

اوصیای من تا روز قیامت، علی، حسن، حسین و نه نفر از فرزندان

حسین هستند که پشت سر هم می آیند:

الف) «... أَوْصِيَانِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ... عَلِيٌّ أَخِي وَوَصِيِّي ... وَ أَحَدَ عَشَرَ إِمَاماً مِنْ وُلْدِهِ أَوْلَهُمْ ابْنِي حَسَنٌ ثُمَّ ابْنِي حُسَيْنٌ ثُمَّ تِسْعَةٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ وَ أَحَدًا بَعْدَ وَاحِدٍ».<sup>۱</sup>

ب) «أَوْصِيَانِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلُّهُمْ هَادُونَ مَهْدِيُونَ وَ أَوْلُ الْأَوْصِيَاءِ بَعْدِي أَخِي عَلِيٌّ ثُمَّ حَسَنٌ ثُمَّ حُسَيْنٌ ثُمَّ تِسْعَةٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ فِي دَرَجَتِي».<sup>۲</sup>

ج) «أَوْصِيَانِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ... عَلِيٌّ أَخِي ... ثُمَّ ابْنِي الْحَسَنُ ثُمَّ ابْنِي الْحُسَيْنُ ثُمَّ تِسْعَةٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ وَ أَحَدٌ بَعْدَ وَاحِدٍ».<sup>۳</sup>

در نتیجه مهدی‌های دوازده گانه - بر فرض قبول - دارای مقام وصایت

نیز نیستند.

ثالثاً تعبیر روایت اول اینست که امام حسین علیه السلام حضرت حجت را غسل می دهند: «أَنَّهُ الْحُسَيْنُ علیه السلام جَاءَ الْحُجَّةَ الْمَوْتُ فَيَكُونُ الَّذِي يُغَسَّلُهُ» و طبق روایات فراوان، «حجت» نام اختصاصی امام دوازدهم علیه السلام می باشد: از جمله:

۱. الغيبة للنعمانی ص ۷۰

۲. کمال الدین ج ۱ ص ۲۶۳

۳. کمال الدین ج ۱ ص ۲۷۷

«قُلْتُ فَكَيْفَ نَذْكُرُهُ فَقَالَ قُولُوا الْحُجَّةُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ».<sup>۱</sup>  
 «وُلِدَ وَلِيِّ اللَّهِ الْحُجَّةُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى  
 بْنِ جَعْفَرٍ...».<sup>۲</sup>  
 «وَ الْحُجَّةُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ».<sup>۳</sup>  
 «وَ الْحُجَّةُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَائِمِ فِي وَسْطِهِمْ كَأَنَّهُ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ».<sup>۴</sup>  
 «وَ الْحُجَّةُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ أَيْمَّةً».<sup>۵</sup>  
 «وَ الْحُجَّةُ بْنُ الْحَسَنِ أَيْمَّةً أَبْرَارُهُمْ مَعَ الْحَقِّ وَ الْحَقُّ مَعَهُمْ».<sup>۶</sup>  
 «فَإِذَا مَضَى الْحَسَنُ فَبَعْدَهُ ابْنُهُ الْحُجَّةُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَهَذِهِ  
 اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا عَلَى عَدَدِ نُبِيَّاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ».<sup>۷</sup>

رابعاً در روایت دوم آمده که امام حسین علیه السلام قائم را غسل می دهند و در روایات، لفظ «القائم» علم برای کسی است که قرار است با قیام خود عدل و داد را در عالم حکمفرما کند که به زعم احمد بصری، همان مهدی اول می باشد لذا ربطی به مهدی دوازدهم ندارد.

خامساً و از همه مهمتر، در بعضی روایات تصریح شده که امام

۱. الکافی (ط - الإسلامية) ج ۱ ص ۳۲۸ ح ۱۳ و ص ۳۳۲ - ۳۳۳ ح ۱

۲. کمال الدین و تمام النعمة ج ۲ ص ۴۷۴

۳. کمال الدین و تمام النعمة ج ۲ ص ۵۰۷

۴. عیون أخبار الرضا علیه السلام ج ۱ ص ۵۸

۵. من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص ۳۲۷

۶. کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر ص ۱۷۷

۷. کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر ص ۱۴



بررسی احادیث ۱۶۵۱

حسین علیه السلام بعد از امام دوازدهم حجة بن الحسن و همان کسی که سفیانی را می‌کشد رجعت می‌کنند، از جمله:

الف) امام حسین علیه السلام فرمودند: زمانیکه قائم ما ظهور کرد خدا ما را زنده می‌کند ... پرسیدند قائمتان کیست؟ فرمودند: هفتمین فرزند محمد باقر، حجة بن الحسن بن علی ... که غیبتی طولانی دارد ... «قال الحسين بن علی بن ابی طالب قبل ان یقتل بليلة واحدة ... ثم یخرجنا الله و ایاکم حين یظهر قائمنا فینتقم من الظالمین و انا و انتم نشاهدهم فی السلاسل و الاغلال و انواع العذاب و النکال. فقیل له: من قائمکم یا بن رسول الله؟ قال: السابع من ولد ابنی محمد بن علی الباقر و هو الحجة بن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی ابنی و هو الذی یغیب مدة طويلة، ثم یظهر و یملا الارض قسطا و عدلا كما ملئت جورا و ظلما».<sup>۱</sup>

ب) امام صادق علیه السلام فرمودند: لشکر مهدی سفیانی را می‌کشند و سپس حسین بن علی ظهور می‌نماید: «قَالَ الْمُفَضَّلُ: يَا سَيِّدِي مَاذَا يَعْمَلُ الْمَهْدِيُّ علیه السلام؟ قَالَ علیه السلام: تَنْوُرُ سَرَايَاهُ عَلَيَّ السُّفْيَانِيَّ إِلَى دِمَشْقَ، فَيَأْخُذُونَهُ وَ يَذُبُّونَهُ عَلَيَّ الصَّخْرَةَ. ثُمَّ يَظْهَرُ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ علیه السلام فِي اثْنَيْ عَشَرَ أَلْفَ صِدِّيقٍ، وَ اثْنَيْ وَ سَبْعِينَ رَجُلًا أَصْحَابِهِ الَّذِينَ قُتِلُوا مَعَهُ يَوْمَ عَاشُورَاءَ ...».<sup>۲</sup>

و به اعتقاد احمد بصری، سفیانی به دست مهدی اول کشته می‌شود،

۱. إثبات الرجعه، فضل بن الشاذان النیشابوری ص ۳۶، مختصر کفایة المهتدی، السيد المیر

لوحی ص ۱۰۵-۱۰۶ ح ۱۹

۲. مختصر البصائر ص ۴۵۴-۴۵۵

پس لازمه سخنش اینست که طبق این حدیث، امام حسین علیه السلام بعد از مهدی اول رجعت کنند در حالی که این مخالف نظریه و اعتقاد اوست.

البته بعضی پیروان احمد برای فرار از این اشکال می گویند: «ثُمَّ» به معنای سپس، می تواند برای مدت خیلی زیادی باشد که در اینجا منطبق با زمان مهدی دوازدهم است، مثل این گفتار خدا که می فرماید: «ثُمَّ يَمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ»<sup>۱</sup> که بین مردن و سپس زنده شدن انسانها هزاران سال فاصله است.

غافل از اینکه اولاً «ثُمَّ» برای فاصله کم می آید نه زیاد، و عرب برای فاصله زیاد از «سوف» استفاده می کند نه «ثُمَّ»، اما اینکه در آیه برای فاصله زیاد به کار رفته، از این جهت است که زمان و زمانیات در افعال خدا راه ندارد برای همین چه فراوان که در قرآن از وقایع روز قیامت با صیغه ماضی تعبیر نموده: «وَ إِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءً»<sup>۲</sup>، یا از گذشته با صیغه مضارع سخن گفته است: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً»<sup>۳</sup>.

ثانیاً از سیاق روایت که دارد وقایع ظهور امام دوازدهم علیه السلام را پشت سر هم می شمرد کاملاً مشخص است که ظهور امام حسین علیه السلام متصل به وقایع ظهور قائمی می باشد که لشکرش کشنده سفیانی است.

۱. بقره: ۲۸

۲. احقاف: ۶

۳. احزاب: ۳۳

بررسی احادیث ۱۶۷۱

سادساً در بعضی روایات تصریح شده که رجعت در زمان امام دوازدهم علیه السلام اتفاق می افتد و از آن طرف روایات متعددی تصریح می کند که اولین نفری که رجعت می نماید امام حسین علیه السلام می باشد که از ضمیمه کردن این دو دسته روایت به هم ثابت می شود امام حسین علیه السلام در زمان امام دوازدهم علیه السلام رجعت می نمایند نه مهدی دوازدهم. به این روایات بنگرید:

### روایاتی از دسته اول)

الف) عبد الکریم خثعمی می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: قائم آل محمد چند سال حکومت می کند؟ فرمودند: هفت سال اما از آن سال هایی که روزها و شبهایش طول می کشد به گونه ای که هر سال از آن به اندازه ده سال از سال های شما می باشد پس سالهای حکومت او به اندازه هفتاد سال از سالهای شماست. زمانی که هنگام قیام او برسد در ماه جمادی الآخره و ده روز از رجب بارانی بر مردم می بارد که مثلش را خلاق ندیده اند و به واسطه این باران خداوند گوشت ها و بدن های مومنان را در قبرهای شان می رویند. گویا من آنها را می بینم که از جانب جُهنه می آیند در حالی که از موهایشان خاک را می تکانند:

«رَوَى عَبْدُ الْكَرِيمِ الْخَثْعَمِيُّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام كَمْ يَمْلِكُ الْقَائِمُ ع قَالَ سَبْعَ سِنِينَ تَطُولُ لَهُ الْأَيَّامُ وَاللَّيَالِي حَتَّى تَكُونَ السَّنَةُ مِنْ سِنِيهِ مِقْدَارَ عَشْرِ سِنِينَ مِنْ سِنِيكُمْ فَيَكُونُ سَنُو مُلْكِهِ سَبْعِينَ سَنَةً مِنْ سِنِيكُمْ هَذِهِ وَإِذَا آتَى قِيَامُهُ مَطَرُ النَّاسِ جُمَادَى الْآخِرَةَ وَعَشْرَةَ أَيَّامٍ مِنْ رَجَبٍ مَطَرًا لَمْ يَرَ الْخَلَائِقُ مِثْلَهُ فَيَنْبِتُ اللَّهُ بِهِ لُحُومَ الْمُؤْمِنِينَ وَأَبْدَانَهُمْ فِي قُبُورِهِمْ فَكَأَنِّي أَنْظُرُ

إِلَيْهِمْ مُقْبِلِينَ مِنْ قِبَلِ جَهَنَّمَ يَنْفُضُونَ شُعُورَهُمْ مِنَ التُّرَابِ»<sup>۱</sup>.

(ب) امام زمان علیه السلام در تشرف ابن مهزیار به او فرمودند: ای پسر مهزیار آیا آن خبر را به اطلاع تو نرسانم؟ زمانیکه ... با سفیانی بیعت شود در آن حین بر ولی خدا اذن داده می شود؛ پس من بین صفا و مروه میان سیصد و سیزده مرد خروج می کنم؛ سپس بکوفه رفته ... سپس همراه مردم حج را بعمل می آورم و بعد به مدینه برگشته آن دو را از قبر بیرون می کشم. من گفتم ای سرورم بعد از آن چه می شود؟ فرمود: برگشت برگشت، رجعت رجعت، و آیه رجعت را تلاوت نمودند:

«يَا ابْنَ الْمَهْزِيَارِ - وَ مَدَّ يَدَهُ - أَلَا أُتْبِئُكَ الْخَبَرَ أَنَّهُ إِذَا قَعَدَ الصَّبِيُّ، وَ تَحَرَّكَ الْمَغْرِبِيُّ، وَ سَارَ الْعُمَانِيُّ، وَ بُوِيَعَ السُّفْيَانِيُّ يَأْذُنُ لَوْلِيِّ اللَّهِ، فَأُخْرِجُ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ فِي ثَلَاثِمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةِ عَشَرَ رَجُلًا سَوَاءً، فَأَجِيءُ إِلَى الْكُوفَةِ وَ أَهْدِمُ مَسْجِدَهَا وَ أَبْنِيهِ عَلَى بَنَائِهِ الْأَوَّلِ، وَ أَهْدِمُ مَا حَوْلَهُ مِنْ بِنَاءِ الْجَبَابِرَةِ، وَ أَحْجُ بِالنَّاسِ حِجَّةَ الْإِسْلَامِ، وَ أَجِيءُ إِلَى يَثْرِبَ فَأَهْدِمُ الْحُجْرَةَ، وَ أُخْرِجُ مَنْ بِهَا وَ هُمَا طَرِيَّانِ، فَأَمْرٌ بِهِمَا تَجَاهَ الْبَقِيعِ، وَ أَمْرٌ بِخَشَبَتَيْنِ يُصَلَبَانِ عَلَيْهِمَا، فَتُورِقُ مِنْ تَحْتِهِمَا، فَيَقْتَتِنُ النَّاسُ بِهِمَا أَشَدَّ مِنَ الْفِتْنَةِ الْأُولَى، فَيَنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ: «يَا سَمَاءُ أَبِيي، وَ يَا أَرْضُ حُدَيِ» فَيَوْمِنَدِ لَا يَبْقَى عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ إِلَّا مُؤْمِنٌ قَدْ أَخْلَصَ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ. قُلْتُ: يَا سَيِّدِي، مَا يَكُونُ بَعْدَ ذَلِكَ؟ قَالَ: الْكُرَّةُ الْكُرَّةُ، الرَّجْعَةُ الرَّجْعَةُ، ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمْ الْكُرَّةَ عَلَيْهِمْ»<sup>۲</sup>.

۱. الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد ج ۲ ص ۳۸۱

۲. دلائل الإمامة (ط - الحديثة) ص ۵۴۲

### روایاتی از دسته دوم)

الف) از امام صادق علیه السلام درباره حق بودن رجعت سوال شد که فرمودند: بله حق است، سوال شد اولین کسی که رجعت می‌کند کیست؟ فرمودند: حسین که پشت بلا فاصله بعد از قائم می‌آید: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: عَنِ الرَّجْعَةِ أَحَقُّ هِيَ؟ قَالَ نَعَمْ فَقِيلَ لَهُ مَنْ أَوَّلُ مَنْ يَخْرُجُ قَالَ الْحُسَيْنُ عليه السلام يَخْرُجُ عَلَى أَثَرِ الْقَائِمِ عليه السلام».<sup>۱</sup>

ب) امام صادق علیه السلام فرمودند: اولین کسی که زمین از او شکافته شده و به دنیا رجعت می‌کند حسین بن علی است: «أَوَّلُ مَنْ تَشْتَقُّ الْأَرْضُ عَنْهُ وَ يَرْجِعُ إِلَى الدُّنْيَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام».<sup>۲</sup>

بله در اینجا دو اشکال دیگر وجود دارد که نسبت به ضرورت رجعت امام حسین علیه السلام برای غسل حضرت مهدی علیه السلام خدشه وارد می‌کند: اشکال اول اینکه: لازمه قانون غسل، تسلسل رجعت است زیرا هر امامی فوت کند باید امام دیگری بیاید تا بدن او را غسل دهد، و به عبارت دیگر: چه کسی بدن امام حسین علیه السلام را غسل خواهد داد؟

در جواب می‌گوییم: هیچ دلیلی نداریم که بدن ائمه ای که در رجعت زنده شده‌اند و دوباره وفات می‌کنند نیاز به غسل داشته باشد، لذا می‌توان گفت قانون غسل، با غسل بدن حضرت مهدی علیه السلام توسط امام حسین علیه السلام

۱. منتخب الأنوار المصنفة في ذكر القائم الحجة عليه السلام ص ۲۰۱، مختصر البصائر ص ۱۶۵

۲. مختصر البصائر ص ۱۰۷

۱۷۰۱ قانون غسل امام

به پایان می‌رسد.<sup>۱</sup>

اشکال دوم اینکه: شیخ مفید و سید مرتضی قانون غسل را مقید به این کردند که مانعی وجود نداشته باشد، لذا وقتی امام حسین علیه السلام در قید حیات نیستند قانون غسل ایجاب نمی‌کند که ایشان به خاطر غسل بدن امام زمان علیه السلام زنده شوند، در نتیجه چون کس دیگری نیست که بدن را غسل دهد این کار را مهدی اول انجام می‌دهد.

غافل از اینکه اولاً قیدی که آن دو بزرگوار زده‌اند دلیلی ندارد و مخالف صریح روایت هرثمه می‌باشد، همچنان که مخالف اطلاق همه روایاتی است که تا به حال ذکر کردیم، همچنین مخالف روایات طی الارض امام سجاد و امام رضا و امام جواد علیهم السلام برای غسل و کفن و دفن بدن پدرانشان می‌باشد زیرا آن سه امام بزرگوار نیز با اینکه به صورت عادی مانع از حضور داشتند اما با توسل به اعجاز برای انجام کارهای غسل و کفن و دفن حاضر گشتند. و از همه مهتر اینکه در آن دو روایت که ذکر کردیم تصریح شده که امام حسین علیه السلام برای غسل امام دوازدهم علیه السلام تشریف می‌آورند و با وجود این، دیگر جایی برای اشکال باقی نمی‌ماند.

حدیث پانزدهم: «إِنَّ لِأَبِي الْحَسَنِ علیه السلام غَيْبَتَيْنِ إِحْدَاهُمَا تَقَلُّ وَالْأُخْرَى تَطُولُ حَتَّى يَجِيئَكُمْ مَنْ يُزْعَمُ أَنَّهُ مَاتَ وَصَلَّى عَلَيْهِ وَدَفَنَهُ وَنَفَضَ تُرَابَ الْقَبْرِ مِنْ يَدِهِ فَهُوَ فِي ذَلِكَ كَاذِبٌ لَيْسَ يَمُوتُ وَصِيٌّ حَتَّى يُقِيمَ وَصِيًّا وَلَا يَلِي

---

۱. لعل تغسیله الاول یکفی عن مثونة تغسیله ثانياً. شرح الکافی ج ۶ ص ۳۵۳

بررسی احادیث ۱۷۱

الْوَصِيِّ إِلَّا الْوَصِيَّ فَإِنَّ وَلِيَّهُ غَيْرُ وَصِيِّ عَمِيٍّ»<sup>۱</sup>.

محتوا: این حدیث توسط واقفیه در مورد امام کاظم علیه السلام نقل شده و می‌گوید برای ایشان دو غیبت خواهد بود که یکی طولانی‌تر از دیگری است تا اینکه کسی نزد شما می‌آید که گمان دارد او وفات کرده و وی دفنش نموده و با دست خود خاک بر قبرش ریخته، بدانید او دروغ می‌گوید زیرا وصی نمی‌میرد تا اینکه وصی بی‌نصب کند و متولی غسل وصی نمی‌شود الا وصی و اگر کسی غیر او متولی شود کور می‌گردد.

بررسی: سند این حدیث مرسل و مجهول است همچنان که محتوایش

نیز قابل پذیرش نیست، و چند اشکال دارد:

اشکال اول اینکه می‌گوید: ابو الحسن موسی بن جعفر دو غیبت دارد، در حالی که کسی که دو غیبت دارد ابن الحسن عسکری می‌باشد نه ابو الحسن. مگر اینکه گفته شود مراد از دو غیبت، دو بار زندان رفتن ایشان باشد که از انظار خلق غائب بودند.

اشکال دوم اینکه می‌گوید: کسی نزد شما خواهد آمد که گمان دارد ابو الحسن را خودش دفن نموده و با دست خود خاک بر قبرش ریخته، در حالی که ما چنین شخصی را سراغ نداریم.

اشکال سوم اینست که می‌گوید: اگر غیر وصی امام را غسل دهد کور می‌شود در حالی که می‌دانیم قطعاً امام کاظم و امام رضا علیهما السلام به صورت

۱۷۲۱ قانون غسل امام

ظاهری توسط دستگاه حکومتی غسل داده شده اند، مگر اینکه بگوییم منظور نگاه به عورت امام است زیرا پیامبر ﷺ نیز به امیرالمؤمنین ﷺ فرمودند: یا علی فقط خودت مرا غسل بده که اگر غیر تو مرا غسل دهد کور خواهد شد.<sup>۱</sup>

ولی به هر حال، این حدیث نیز مطابق دیگر احادیث، قانون غسل را تثبیت می‌کند و البته از غسل وصی توسط وصی سخن می‌گوید.

حدیث شانزدهم: «فَأَمَرَ أَنْ يُغْلَقَ الْبَابُ فَعُلِقَ ... إِذْ دَخَلَ عَلَيَّ شَابٌّ حَسَنُ الْوَجْهِ قَطَطُ الشَّعْرِ أَشْبَهَ النَّاسَ بِالرِّضَا ﷺ فَبَادَرْتُ إِلَيْهِ فَقُلْتُ لَهُ مَنْ أَنْتَ دَخَلْتَ وَ الْبَابُ مُغْلَقٌ فَقَالَ الَّذِي جَاءَ بِي مِنَ الْمَدِينَةِ فِي هَذَا الْوَقْتِ هُوَ الَّذِي أَدْخَلَنِي الدَّارَ وَ الْبَابُ مُغْلَقٌ فَقُلْتُ لَهُ وَ مَنْ أَنْتَ فَقَالَ لِي أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْكَ يَا أَبَا الصَّلْتِ أَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ ... شَمَرْتُ ثِيَابِي لِأُغْسَلَهُ فَقَالَ لِي تَنَحَّ يَا أَبَا الصَّلْتِ فَإِنَّ لِي مَنْ يُعِينُنِي غَيْرَكَ فَعَسَلَهُ».<sup>۲</sup>

محتوا: در این روایت که با سندهای متعدد و صحیح رسیده، ابوصلت می‌گوید: امام رضا ﷺ نزدیک به وفات فرمودند: درها را قفل کن، من همه درها را قفل کردم ... ناگهان جوانی زیبا شبیه امام رضا ﷺ دیدم، از ایشان پرسیدم درها قفل بود چگونه وارد شدید؟ پاسخ داد: همان خدایی که در همین لحظه مرا از مدینه به اینجا آورد از درهای بسته نیز مرا عبور داد، من

۱. الخصال ج ۲ ص ۵۷۳

۲. عمون أخبار الرضا ﷺ ج ۲ ص ۲۴۳ - ۲۴۴



بررسی احادیث ۱۷۳۱

حجت خدا بر تو هستم من محمد فرزند امام رضا می باشم ... ابو صلت می گوید: خواستم در غسل دادن امام کمکشان کنم که فرمودند: کنار برو، برای من کسی غیر تو هست که کمکم می کند، و امام جواد علیه السلام پدر خود را غسل دادند.

بررسی: این روایت با اینکه از قانون غسل امام سخنی نگفته اما همین حضور اعجاز آمیز امام جواد علیه السلام جهت غسل پدر می رساند که این غسل قانونی الزامی بوده، و البته مشخص نمی کند به جهت عصمت بوده یا امامت یا وصایت.

و در این باره روایات دیگری هم وارد شده است، مثل اینکه امام جواد علیه السلام در مدینه فرمودند: چند لحظه پیش پدرم را در خراسان دفن کردم: «دَفَنْتُ أَبِي السَّاعَةَ وَكَانَ بِخُرَّاسَانَ».<sup>۱</sup>

البته ظاهراً حدیث درست نقل نشده و راوی به جای غسل و کفن، تعبیر به دفن نموده، زیرا از نظر تاریخی قطعاً امام رضا توسط امام جواد علیه السلام دفن ظاهری نشده اند و امکان آن نیز وجود نداشته است، مگر اینکه در اینجا هم اموری غیبی دخالت داشته که ما از آن بی خبریم.<sup>۲</sup> و این مطلب منافاتی با روایاتی ندارد که از غسل امام رضا علیه السلام توسط

۱. الخرائج و الجرائح ج ۲ ص ۶۶۶ ح ۶

۲. یعنی اینکه ایشان در مراسم دفن پدر هم شرکت داشته اند و در کنار دیگران گوشه کفن را گرفته و بدن را در قبر نهاده و همراه بقیه بر آن خاک ریخته اند و کسی آن حضرت را ندیده است، و این در مکتبی که کرامت و معجزه را پذیرفته باشد هیچ استبعادی ندارد.

۱۷۴۱ قانون غسل امام

دستگاه حکومت سخن می گوید، زیرا همانطور که قبلاً بیان کردیم، اینگونه

روایات ناظر به غسل ظاهری می باشد، از جمله:

«وَعُسِلَ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي اللَّيْلِ وَدُفِنَ»<sup>۱</sup> و: «بَكَرَ الْمَأْمُونُ مِنَ الْغَدِ

فَأَمَرَ بِغُسْلِهِ وَتَكْفِينِهِ»<sup>۲</sup> و: «ثُمَّ أَمَرَ بِغُسْلِهِ وَتَكْفِينِهِ وَتَحْنِيطِهِ»<sup>۳</sup>.

---

۱. عیون أخبار الرضا عليه السلام ج ۲ ص ۲۴۲

۲. عیون أخبار الرضا عليه السلام ج ۲ ص ۲۴۱

۳. الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد ج ۲ ص ۲۷۱

## بخش سوم) اشکالات

اشکال الف) در غیبت طوسی حکایت شده که عثمان بن سعید غسل و کفن و دفن امام عسکری علیه السلام را بر عهده داشته، پس این چگونه با قانون غسل جور در می آید؟

جواب: در نقل شیخ طوسی - که از نظر سند مرسل می باشد - نیامده که عثمان غسل حضرت را به عهده داشته، بلکه می گوید در غسل حضرت حاضر بوده، و این نمی رساند که امام زمان علیه السلام در غسل پدر شرکت نداشته اند، همچنان که ابن عباس هم در غسل پیامبر حضور داشته اما غسل بر عهده امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است.

غیر از اینکه الفاظ نقل شیخ طوسی در مورد غسل و کفن و دفن متفاوت است، یعنی انجام کفن و دفن را به خود عثمان نسبت می دهد اما درباره غسل فقط از حضور او سخن می گوید، و این کاملاً می رساند که وی متولی غسل نبوده است<sup>۱</sup>، به متن حکایت توجه کنید:

«أَنَّهُ لَمَّا مَاتَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَضَرَ غُسْلَهُ عُثْمَانُ بْنُ سَعِيدٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَ أَرْضَاهُ وَ تَوَلَّى جَمِيعَ أَمْرِهِ فِي تَكْفِينِهِ وَ تَحْنِيطِهِ وَ تَقْبِيرِهِ مَأْمُورًا بِذَلِكَ لِلظَّاهِرِ مِنَ الْحَالِ الَّتِي لَا يُمَكِّنُ جَحْدَهَا وَ لَا دَفْعَهَا إِلَّا بِدَفْعِ حَقَائِقِ الْأَشْيَاءِ

۱. تاریخ الغيبة الصغرى ج ۱ ص ۳۹۹: و ظاهر عبارة الشيخ قيامه ۷ بالتغسيل بحضور ابي عمرو، ثم قيام ابي عمرو بنفسه بباقي شئونه من تكفين و تحنيط و إقبار. و الله العالم بحقائق الامور.

۱۷۶۱ قانون غسل امام

فِي ظَوَاهِرِهَا»<sup>۱</sup>.

مرحوم قزوینی درباره حکایت مذکور به این مضمون می نویسد:  
حضور عثمان در غسل امام عَلَيْهِ السَّلَام بدین معنا نیست که خودش غسل را انجام داده، و اینکه غسل امام عسکری توسط امام زمان نقل نشده، عقیده ثابت ما مبنی بر وجوب غسل امام توسط امام را تغییر نمی دهد.<sup>۲</sup>  
من می گویم: هر چند غسل امام عسکری توسط حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام نقل نشده، اما نماز بر ایشان نقل شده است. ابوالادیان می گوید: امام عسکری عَلَيْهِ السَّلَام به من فرمودند: هر کس بر من نماز خواند همو قائم بعد از من است: «مَنْ يُصَلِّي عَلَيَّ فَهُوَ الْقَائِمُ بَعْدِي»<sup>۳</sup>.

و در ادامه نقل می کند که وقتی جعفر خواست بر امام عَلَيْهِ السَّلَام نماز بخواند ناگهان کودکی آمد و ردای جعفر را کشید و گفت: عمو کنار برو که من بر نماز خواندن بر پدرم سزاوارترم و سپس بر امام عَلَيْهِ السَّلَام نماز خواند: «... فَتَقَدَّمَ جَعْفَرُ بْنُ عَلِيٍّ لِيُصَلِّيَ عَلَيَّ أَخِيهِ فَلَمَّا هَمَّ بِالتَّكْبِيرِ خَرَجَ صَبِيٌّ بِوَجْهِهِ سُمْرَةٌ بِشَعْرِهِ قَطَطٌ بِأَسْنَانِهِ تَفْلِيحٌ فَجَبَدَ بِرِدَاءِ جَعْفَرِ بْنِ عَلِيٍّ وَقَالَ تَأَخَّرَ يَا عَمُّ فَأَنَا أَحَقُّ بِالصَّلَاةِ عَلَيَّ أَبِي فَتَأَخَّرَ جَعْفَرٌ وَقَدْ أَرْبَدَ وَجْهُهُ وَاصْفَرَ فَتَقَدَّمَ الصَّبِيُّ وَصَلَّى عَلَيْهِ...»<sup>۴</sup>.

۱. الغيبة للطوسي ص ۳۵۶

۲. الإمام المهدي عَلَيْهِ السَّلَام من المهد الى الظهور ص ۲۰۰

۳. کمال الدین و تمام النعمة ج ۲ ص ۴۷۵

۴. کمال الدین و تمام النعمة ج ۲ ص ۴۷۵-۴۷۶

#### اشکالات ۱۷۷۱

خوب وقتی امام زمان علیه السلام از خواندن نماز بر پدر کوتاه نمی‌آیند با اینکه ظاهر شدن در آن جمع برایشان خطر جانی داشته است (و البته عالم به تحفظ الهی از خطرات بودند)، هیچ بُعدی ندارد که غسل هم توسط ایشان در خفا انجام شده باشد.<sup>۱</sup>

اشکال ب) قبلاً به این اشاره کردیم که سید مرتضی نسبت به حضور اعجاز آمیز امام رضا و امام جواد علیهما السلام جهت غسل پدرانشان اشکالاتی دارد که همینک به ذکر آنها و پاسخشان می‌پردازیم:

سید مرتضی می‌نگارد:

«شیعه امامی روایت کرده که غسل و نماز امام قبل بر امام بعد است و درباره آنچه که ظاهرش خلاف این می‌باشد خود را به زحمت انداخته، در حالی که این روایت از طریق آحاد وارد شده که موجب علم و یقین نمی‌شود. و بر فرض که این روایات صحیح باشد مرادش اکثر و اغلب ائمه بوده، زیرا ما شاهد رخداد خلاف این مطلب درباره امام کاظم و امام رضا علیهما السلام هستیم. چون امام کاظم علیه السلام در بغداد وفات نمود در حالی که امام رضا علیه السلام در مدینه به سر می‌برد و نیز امام رضا علیه السلام در خراسان وفات نمود در حالی که فرزندش امام جواد علیه السلام در مدینه بود و امکان ندارد کسی که در مدینه است متولی غسل کسی شود که در بغداد یا خراسان فوت نموده است.

---

۱. تاریخ الغیبة الصغری ج ۱ ص ۳۹۹

بعضی اصحاب خود را در این باره به زحمت انداخته و گفته‌اند که محال نیست خدای متعال امام را از مکان دوری به مکان دیگری منتقل کند. ولی این صحیح نیست زیرا هر چند ما منکر معجزات نیستیم ولی معجزه نسبت به امور ممکن رخ می‌دهد نه امر محال، و انتقال شخصی به مکان‌های دور بدون صرف هیچ زمانی یا زمان بسیار کم محال است. آری در اینجا چند احتمال باطل وجود دارد: الف) برای امام دو بال قرار داده شده که توسط آن پرواز کند. این احتمال قابل انکار نیست ولی چون جسم انسان سنگین است با بال هم نمی‌تواند در آن زمان کم خود را از مدینه به بغداد یا خراسان برساند. ب) خدای متعال امام را از یک مکان معدوم نموده و در آن‌دوم در مکان دیگر ایجادش کرده است. این احتمال از جهت دیگری باطل است ... ج) خدای متعال امام را با بادهای تند در کمترین زمان منتقل نموده است.

چیزی که هر سه احتمال را باطل می‌کند اینست که اگر امام به شهر دیگری برای غسل پدر و نماز بر او منتقل می‌شدند قطعاً دیده می‌گشتند چون امام جسم است و جسم به ناچار دیده می‌شود پس چگونه دیده نشده؟ غیر از اینکه تاریخ نقل کرده که چه کسی آن دو امام را غسل داده و بر ایشان نماز خوانده است»<sup>۱</sup>.

لکن عموم سخنان ایشان باعث تعجب است: اولاً اینکه روایات باب را

اشکالات ۱۷۹۱

خبر واحد می‌شمرد، در حالی که ۱۶ روایت در این باره آوردیم<sup>۱</sup>، ثانیاً برای انتقال امام به مکان بعید، سراغ طی الارض نرفته و سه احتمال ذکر کرده که یکی سخیف تر از دیگری است، ثالثاً می‌گوید چطور امام دیده نشده؟ در حالی که خدایی که طی الارض را برای امام فراهم ساخته، دیده نشدن را هم می‌تواند فراهم آورد، و رابعاً می‌گوید در تاریخ ثبت شده چه کسانی آن دو امام را غسل داده‌اند، در حالی که غسل مخفیانه امام با غسل ظاهری توسط دیگران منافاتی ندارد.

اما برای روشن تر شدن مطلب می‌گوییم: در قرآن کریم و روایات شریف، هم مساله انتقال آنی به مکان بعید مطرح شده و هم دیده نشدن، و از سید مرتضی با آن همه علم خیلی عجیب است که به این موارد التفات نداشته است.

اما مساله طی الارض در قرآن، لا اقل در سه قضیه مطرح شده است که عبارتند: از تسخیر باد برای انتقال حضرت سلیمان عَلَيْهِ السَّلَامُ و لشکرش که صبح به اندازه مسافت یک ماه راه می‌رفته و غروب نیز به اندازه مسافت یک ماه، انتقال تخت بلقیس در کمتر از یک چشم به هم زدن، و معراج پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

الف) باد مسخر برای سلیمان عَلَيْهِ السَّلَامُ: قرآن در این باره می‌فرماید: «وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ غَدُوًّا هَآءِهِمْ وَرَوَّاحًا شَهْرًا»<sup>۲</sup>.

۱. منهای روایت اول و به علاوه روایت بصائر الدرجات.

۲. سبأ: ۱۲

ب) انتقال تخت بلقیس از سرزمین سبأ به بیت المقدس در کمتر از یک پلک زدن: قرآن در این رابطه می‌گوید: «قَالَ عِفْرِيْتُ مِنَ الْجِنَّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ \* قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رآه مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَ أَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ»<sup>۱</sup>.

ج) انتقال پیامبر ﷺ در لحظاتی از شب از مسجد الحرام در مکه به مسجد الاقصی در فلسطین: قرآن در رابطه با این موضوع می‌فرماید: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا»<sup>۲</sup>.

و در روایات نیز فراوان ذکر شده که مهمترین و مشهورترین مورد آن، طی الارض امیرالمؤمنین عليه السلام از مدینه به مدائن برای غسل دادن سلمان است که شیعه و سنی آن را نقل کرده<sup>۳</sup>، و شاعران درباره اش شعر سروده اند، از جمله شاعر قرن ششم سید عز الدین اقساسی در برابر مستنصر عباسی که منکر این قضیه بود این اشعار را قرائت نمود که در آن به طی الارض آصف بن برخیا استشهاد شده است:

أنكرت ليلة اذ صار الوصى الى ارض المدائن لما أن لها طلبا

۱. نمل: ۳۹ - ۴۰

۲. اِسْرَاء: ۱

۳. مناقب آل ابی طالب عليهم السلام ج ۲ ص ۳۰۱، الخرائج و الجرائح ج ۲ ص ۵۶۲



و غسل الطهر سلمانا و عاد الی  
 عراض یثرب و الاصباح ما وجبا  
 و قلت ذلك من قول الغلاة و ما  
 ذنب الغلاة إذا لم یوردوا کذبا  
 فأصف قبل ردّ الطرف من سباً  
 بعرض بلقیس وافی یخرق الحجبا  
 فأنت فی آصف لم تغل فیہ بلی  
 فی حیدر أنا غال ان ذا عجبا  
 ان کان أحمد خیر المرسلین فذا  
 خیر الوصیین أو کل الحدیث هبا<sup>۱</sup>

و غیر از این درباره طی الارض امیرالمؤمنین و دیدار با اصحاب کهف، طی الارض امام سجاد علیه السلام برای غسل دادن پدر و در سفر حج، طی الارض امام کاظم علیه السلام از زندان و همراه بردن یار خویش، طی الارض امام جواد علیه السلام برای رها کردن ابا صلت از زندان، طی الارض امام حسن عسکری علیه السلام و ... روایات متعددی وجود دارد که تفصیل اینها کتاب دیگری می طلبد.

<sup>۱</sup> رواه القاضي المرعشي في مجالس المؤمنين ج ۱ ص ۵۰۷ أن الخليفة المستنصر بالله العباسي خرج يوماً الى زيارة قبر سلمان سلام الله عليه و معه السيد عز الدين ابن الاقساسي فقال له الخليفة في الطريق: ان من الاكاذيب ما يرويه غلاة الشيعة من مجيء علي بن أبي طالب عليه السلام من المدينة الى المدائن لما توفي سلمان و تغسيله إياه و مراجعته في ليلته الى المدينة، فأجاب ابن الاقساسي بالبدية. و قد وردت الأبيات بتغيير و تفاوت في مناقب آل أبي طالب للحافظ ابن شهر آشوب السروي في ج ۲ ص ۱۳۱ و نسبت الى ابي الفضل التميمي و بناء على ذلك فيكون الشريف الاقساسي استشهد بها و لم تكن له إذ ان وفاة الحافظ ابن شهر آشوب سنة ۵۸۸ قبل ولادة المستنصر بسنة فلاحظ. بحار الأنوار ج ۹۹ ص ۲۷۸ - ۲۷۹. علامه امینی نسبت به شاعر این ابیات و مساله طی الارض و جواب شبهات اهل سنت کلام مفصلی دارد: ترجمه الغدير ج ۹ ص ۴۴-۵۷

۱۸۲۱ | قانون غسل امام

و چقدر فرق است بین سید مرتضی و بین مقدس اردبیلی که می‌نگارد: از معجزات آن حضرت (امیر المؤمنین) طی الارض است که مکرر از ایشان صدور یافته.<sup>۱</sup>

اما درباره دیده نشدن، معروف ترین قضیه مربوط به هجرت مخفیانه پیامبر ﷺ از مکه به مدینه است که حضرت در حالی که خانه شان توسط چهل مرد شمشیر بدست محاصره شده بود از منزل بیرون آمدند و هیچ کدام از آنها ایشان را ندیدند.

و غیر از این، داستان نزول آیه «و إن یکاد» و نیز قصه ابولهب مشهور است که می‌خواست به پیامبر ﷺ جسارت کند ولی ایشان را ندید که در تاریخ ثبت شده است و همه اینها را سید مرتضی می‌داند.

بله در اینجا کلامی از شیخ طوسی وجود دارد که کلیت این قانون را زیر سوال می‌برد. ایشان در کتاب غیبت درباره غسل امام کاظم علیه السلام می‌نگارد: بعضی از شیعیان غسل او را متقبل شدند همانطور که گذشت، و نزد گروهی از اصحاب ما شیعه، امام رضا متولی غسل ایشان بوده است: «تولی بعض موالیه علی ما قدمناه غسله و عند قوم من أصحابنا تولاه ابنه».<sup>۲</sup> اما پاسخ اینست که شیخ طوسی در این کلام خود تنها به یک روایت استناد جسته که راوی آن ابو الفرج اصفهانی زیدی مذهب اموی نسب

۱. حدیقة الشیعه ج ۲ ص ۵۶۲

۲. الغیبة للطوسی ص ۵۵

### اشکالات ۱۸۳۱

است<sup>۱</sup>، در حالی که به گواهی علامه مجلسی، روایات حضور امام رضا علیه السلام جهت غسل پدرشان فراوان می‌باشد: «أخبار كثيرة دالة على حضور الرضا علیه السلام عند الغسل»<sup>۲</sup>، نیز می‌نگارد: احادیث صریح در این وارد شده که امام رضا علیه السلام برای غسل پدرشان و نماز و دفن ایشان در بغداد حاضر شدند: «و الأحادیث الصریحة واردة بأنه علیه السلام حضر بغداد عند غسل أبيه و الصلاة عليه و دفنه»<sup>۳</sup>.

نتیجه: با توجه به الفاظ روایاتی که مورد بررسی دادیم، قانون غسل مربوط به امام یا وصی می‌باشد و از آنجا که مهدی اول نه امام است و نه وصی، نمی‌تواند بدن امام دوازدهم علیه السلام را غسل دهد و باید امامی رجعت کند تا بدن ایشان را غسل دهد که در این صورت، با وجود آن امام، امامت به مهدی اول نمی‌رسد.

و این همان حقیقتی است که امام صادق علیه السلام درباره مهدی‌های دوازده گانه به ابوبصیر فرمودند که: پدرم فقط فرمود دوازده مهدی و نفرمود دوازده امام، بلکه آنها گروهی از شیعیان ما می‌باشند که مردم را دعوت به ولایت و معرفت حق ما می‌کنند: «إِنَّمَا قَالَ اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا وَ لَمْ يَقُلْ اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا وَ لَكِنَّهُمْ قَوْمٌ مِنْ شِيعَتِنَا يَدْعُونَ النَّاسَ إِلَى مَوْلَاتِنَا وَ مَعْرِفَةِ حَقِّنَا»<sup>۴</sup>.

---

۱. سَأَلَ مُوسَى علیه السلام السَّنْدِيَّ عِنْدَ وَفَاتِهِ أَنْ يُحْضِرَهُ مُؤَلَّى لَهُ يُنْزِلُ عِنْدَ دَارِ الْعَبَّاسِ بْنِ مُحَمَّدٍ فِي أَصْحَابِ الْقَصَبِ لِيُغْسِلَهُ فَفَعَلَ ذَلِكَ. الغيبة للطوسي ص ۳۰  
۲. بحار الأنوار ج ۲۷ ص ۲۸۹  
۳. مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول ج ۴ ص ۲۵۶  
۴. كمال الدين و تمام النعمة ج ۲ ص ۳۵۸ ح ۵۶

بله در یک حدیث تعبیر «الْحُجَّةُ يَغْسِلُ الْحُجَّةَ» آمده بود و شاید کسی بگوید مهدی اول امام نیست ولی حجت خدا که هست، غافل از آنکه اولاً در حدیث امام کاظم علیه السلام، حجت خدا منحصر در رسل و انبیاء و ائمه دانسته شده است<sup>۱</sup> و وقتی امام نبودن مهدی اول ثابت شد حجت نبودن او نیز محرز می‌شود، ثانیاً با وجود رجعت امام حسین علیه السلام - که طبق روایات برای غسل امام دوازدهم علیه السلام تشریف می‌آورند - دیگر جایی برای حجت بودن مهدی اول باقی نمی‌ماند. و اگر اشکال شود که طبق حدیث وصیت، چه چیزی به مهدی اول اعطا می‌شود، می‌گوییم: وقتی او امام و وصی نیست، تنها چیزی که به وی داده می‌شود خلافت ظاهری است، بماند که ما اصلاً حدیث وصیت را به علت اشکالهای فراوان سندی و محتوایی قبول نداریم.

همچنین در یک حدیث تعبیر «فَإِنَّهَا صِدِّيقَةٌ لَا يُغَسَّلُهَا إِلَّا صِدِّيقٌ» وارد شده، اما نه تنها هیچ دلیلی بر صدیق بودن مهدی اول وجود ندارد که بر ضدش دلیل داریم و آن آیه ای بود که صدیق را به معنای امام به کار برده بود و نیز حدیثی بود که صدیق این امت را شخص امیرالمومنین علیه السلام می‌دانست. آخرین سخن: همانطور که در اوائل این رساله تذکر دادیم غسل میت بر معصوم واجب نبوده و انجام این غسل توسط معصوم بعدی تنها به خاطر موافقت با ظاهر احکام مسلمین بوده است، اما با این حال می‌بینیم که

اشکالات ۱۸۵۱

ائمه عليهم السلام بر انجام شدن این غسل توسط امام بعدی تاکید داشته و به قانون غسل استناد می کرده اند، و این جز بدین خاطر نبوده که قانون غسل، یکی از راه های شناخت امام بعدی است.

و السلام علی من إتبع الهدی و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين